

قابل انتشار (دوره ۱۴، شماره ۲۸، بهار ۱۴۰۵) فصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

محمد احمدی پاریزی، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: m.ahmadiparizi@iau.ac.ir

اسمعیل عباسی (نویسنده مسئول)، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: es.abu1350@iau.ac.ir

مهدی منتظر، گروه حقوق خصوصی، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: montazer@damavandiau.ac.ir

«جرم تخریب عمدی در ایران و انگلستان: آستانه‌های مالی، اثر پرتگاه و جایگاه آرای مدنی در فرآیند کیفری»

چکیده

این پژوهش با رویکرد تحلیلی - تطبیقی، جرم تخریب عمدی را در حقوق ایران و انگلستان بررسی می‌کند و بر سه محور اصلی تمرکز دارد: آستانه‌های مالی، پدیده «اثر پرتگاه» و نقش آرای قطعی مدنی در فرآیند کیفری. «اثر پرتگاه» وضعیتی است که در آن تغییر کمی اندک در شاخص‌های قانونی - مانند افزایش ناچیز در میزان خسارت مالی - منجر به تغییر کیفی و ناگهانی در نوع یا شدت مجازات می‌شود. در حقوق ایران، ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات ۱۴۰۳، با تعیین آستانه ۳۳۰ میلیون ریال، جهشی دفاعی از جزای نقدی به حبس ایجاد می‌کند؛ وضعیتی که می‌تواند اصل تناسب جرم و مجازات، پیش‌بینی‌پذیری و صلاحیت مرجع رسیدگی را با چالش مواجه سازد. در مقابل، حقوق انگلستان تحت قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ بر الگوی تدریجی استوار است؛ به‌گونه‌ای که میزان خسارت صرفاً در صلاحیت و سقف مجازات اثر دارد و تغییر دفاعی در نوع کیفر رخ نمی‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد رأی قطعی مدنی درباره میزان خسارت، به‌ویژه در موارد نزدیک به آستانه، می‌تواند در تعیین درجه تعزیر و انتخاب مرجع صالح اثرگذار باشد و در غیاب سازوکار مشخص، زمینه تعارض یا تشتت آراء را فراهم کند. مطالعه حاضر با تحلیل قوانین، رویه‌ها و نظریات حقوقی، راهکارهایی همچون طیفی‌سازی مجازات‌ها در ماده ۶۷۷، تعدیل خودکار نصاب‌ها متناسب با تورم، تدوین دستورالعمل واحد کارشناسی برای تقویم خسارت و تصریح جایگاه رأی مدنی در فرآیند کیفری را پیشنهاد می‌کند. این اصلاحات می‌تواند عدالت کیفری تناسبی، انسجام رویه قضایی و کارآمدی حمایت از بزه‌دیده را ارتقا بخشد.

کلیدواژه‌ها: رأی قطعی مدنی؛ جرم تخریب عمدی؛ ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی؛ اثر پرتگاه؛ تناسب جرم و مجازات؛ حقوق تطبیقی؛ تعارض آراء مدنی و کیفری

“Criminal Damage in Iranian and English Law: Financial Thresholds, the Cliff-Edge Effect, and the Role of Final Civil Judgments”

Abstract

This article presents an analytical and comparative study of criminal damage in Iranian and English law, with a focus on financial thresholds, the phenomenon known as the “cliff-edge effect,” and the role of final civil judgments in criminal proceedings. The cliff-edge effect refers to a situation where a minor quantitative change in legal indicators—such as a slight increase in financial damage—produces a sudden qualitative shift in the type or severity of punishment. In Iran, Article 677 of the Islamic Penal Code (1996, amended 2024) sets a fixed threshold of 330 million rials, where crossing this limit abruptly transforms the sanction from a fine to imprisonment. Such a sudden change challenges the principle of proportionality, undermines legal predictability, and may affect jurisdiction. By contrast, English law under the Criminal Damage Act 1971 follows a gradual model: the amount of damage influences jurisdiction and sentencing ranges without triggering a sudden change in the nature of punishment. The findings indicate that a final civil judgment on damages, particularly in borderline cases, can directly affect both the degree of punishment and the competent court. In the absence of a clear coordination mechanism, this overlap risks inconsistency or conflict between civil and criminal rulings. The study proposes reforms such as introducing graded sentencing under Article 677, automatic adjustment of thresholds in line with inflation, standardized expert valuation of damages, and explicit statutory recognition of civil judgments in criminal proceedings. These reforms would enhance proportionality, coherence of judicial practice, and effective victim protection.

Keywords: Final Civil Judgment; Criminal Damage; Article 677 of the Islamic Penal Code; Cliff-Edge Effect; Proportionality of Crime and Punishment; Comparative Criminal Law; Conflict of Civil and Criminal Judgments

جرم تخریب عمدی علاوه بر ضمان مدنی، در ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) جرم‌انگاری شده و مجازات آن بر اساس ارزش مال مورد خسارت تعیین می‌شود. این ماده مقرر می‌دارد: «هرکس عمداً اشیاء منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد، به حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه محکوم خواهد شد. در صورتی که میزان خسارت وارده سیصد و سی میلیون (۳۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا کمتر باشد، به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده محکوم خواهد شد» (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۵؛ اصلاحی ۱۳۹۹) ۲. نکته کلیدی در این ماده، آستانه ریالی ۳۳۰ میلیون ریال است که عبور اندک از آن، جهشی ناگهانی در نوع مجازات ایجاد می‌کند؛ به‌گونه‌ای که خسارت اندکی بیشتر از نصاب، به جای جزای نقدی، حبس به دنبال دارد. این پدیده که در ادبیات کیفری به «اثر پرتگاه» ۳ شهرت یافته، از منظر عدالت کیفری و اصل تناسب جرم و مجازات، محل ایراد است ۴.

افزون بر این، در مواردی که پیش از دادرسی کیفری، رأی قطعی دادگاه حقوقی در خصوص میزان خسارت صادر شده باشد، آن رأی می‌تواند در تشخیص نصاب ماده ۶۷۷ و تعیین نوع مجازات اثرگذار باشد. با این حال، استقلال دادرسی کیفری اقتضا می‌کند که دادگاه کیفری عناصر جرم را رأساً احراز کند و رأی حقوقی صرفاً به‌عنوان دلیل اثباتی قوی در نظر گرفته شود، نه الزام مطلق. عدم انسجام در این حوزه می‌تواند زمینه تعارض آراء و بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نظام قضایی را فراهم آورد.

اصولاً در نظام حقوقی ایران، دادگاه‌های حقوقی موظف‌اند از رأی قطعی دادگاه کیفری در موارد موثر در ماهیت امر حقوقی تبعیت کنند ۶ و در صورت رسیدگی هم‌زمان به دعوی مرتبط در مراجع مختلف با صلاحیت خاص و عدم امکان تجمیع، رسیدگی را به تناسب و برای جلوگیری از تعارض آراء با صدور قرار مقتضی در یکی از مراجع به تعویق اندازند ۷. امری که در عمل با این روند به ظاهر درست پیش نرفته و در رابطه با جرم تخریب عمدی نیز چگونگی تعامل رأی کیفری با حقوقی (مثلاً حکم جبران خسارت مدنی) موجب ابهاماتی شده است.

بررسی نقش رأی قطعی مدنی در فرآیند کیفری و تأثیر آن بر تعیین مجازات از چند جهت اهمیت دارد: نخست آنکه جهش ناگهانی در نوع مجازات، همانند آنچه در ماده ۶۷۷ مشاهده می‌شود، با اصل تناسب جرم و مجازات در تعارض است و

۲ - معاونت حقوقی ریاست جمهوری، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین، سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران به آدرس: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=۴۶۹۳۹۳۷۳۶۶۹۳۸۱۹۴۸۰۳>

3 - cliff effect

۴ - میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، جلد دوم، چاپ شصت و پنجم (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۳)، ص ۲۱۵

5 - Andrew Ashworth and Lucia Zedner, Preventive Justice (Oxford: Oxford University Press, 2021), pp. 102-104

۶ - ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۷ - ماده ۱۹ آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۲۱ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

می‌تواند به صدور احکام نامتناسب منجر شود. ۸. دوم، هم‌پوشانی رسیدگی‌های مدنی و کیفری بدون سازوکار هماهنگ، خطر صدور آراء متناقض و اختلال در اجرای عدالت را در پی دارد. سوم، حمایت مؤثر از زیان‌دیدگان مستلزم آن است که رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم هم‌زمان با دعوی کیفری انجام شود؛ امری که تنها با شفاف‌سازی جایگاه آرای مدنی در فرآیند کیفری تحقق می‌یابد. در مجموع، تحلیل دقیق ابعاد قانونی و عملی تعامل میان آراء مدنی و کیفری می‌تواند علاوه بر کاهش اطاله دادرسی، به انسجام رویه و افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کمک کند. این مطالعه با هدف تبیین مبانی نظری و قانونی مرتبط با نقش رأی قطعی مدنی در جرم تخریب عمدی، با تأکید بر ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی و قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ انگلستان، انجام شده است. در چارچوب تطبیقی، رویه‌های ایران و انگلستان درباره تأثیر آرای مدنی بر فرآیند کیفری و سازوکارهای جلوگیری از تعارض بررسی می‌شود. همچنین آثار عملی ارزیابی خسارت در مراجع مدنی بر تعیین نوع و میزان مجازات کیفری و پیامدهای آن برای عدالت و امنیت حقوقی واکاوی خواهد شد. بر همین اساس، پرسش‌های اصلی مقاله بر نقش رأی قطعی مدنی در تعیین خسارت و شدت کیفر، چالش‌های ناشی از «اثر پرتگاه» در ماده ۶۷۷، سازوکارهای تدریجی در حقوق انگلستان و اصلاحات لازم برای هماهنگی بیشتر میان آراء مدنی و کیفری متمرکز است. روش تحقیق کیفی و توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از قوانین ایران و انگلستان، آرای قضایی و منابع علمی گردآوری شده‌اند. انتخاب انگلستان به‌عنوان نماینده اصلی نظام کامن‌لا در برابر نظام حقوق نوشته ایران، امکان مقایسه‌ای بنیادین و آموزنده را فراهم می‌آورد. مقاله پس از مرور پیشینه، یافته‌ها و تحلیل‌های مربوط به اثر رأی مدنی و پدیده اثر پرتگاه، در پایان راهکارهای تقنینی و رویه‌ای برای اصلاح ماده ۶۷۷ و ارتقای هماهنگی میان آراء مدنی و کیفری ارائه می‌کند.

۲. مروری بر پیشینه پژوهش

۱-۲. پیشینه داخلی

در آثار پژوهشی داخلی پیرامون جرم تخریب عمدی، غالباً دو محور مورد توجه قرار گرفته‌اند:

الف) تحلیل ارکان جرم

برخی پژوهش‌ها در تفسیر رکن روانی جرم تخریب عمدی، آن را صرفاً در قالب سوءنیت عام یعنی قصد انجام رفتار مجرمانه (تخریب یا اتلاف مال غیر) دانسته‌اند و بر این باورند که تحقق جرم نیازمند احراز قصد خاص تخریب یا انگیزه ویژه‌ای فراتر از اراده ارتکاب فعل نیست. به بیان دیگر، همین که مرتکب آگاهانه و عامدانه به تخریب مال اقدام کند، عنصر روانی جرم محقق است؛ هرچند هدف یا انگیزه او ممکن است متفاوت باشد. این برداشت، قصد خاص تخریب را شرط تحقق جرم تلقی نمی‌کند و بر کفایت سوءنیت عام برای مسئولیت کیفری تأکید دارد.^۹

۸ - میرمحمدصادقی، پیشین، ص ۲۱۶

۹ - میرمحمدصادقی، پیشین، ص ۲۱۲

ب) تأثیر ارزیابی خسارت و اثر پرتگاه

پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که تغییرات جزئی در ارزیابی کارشناسی میزان خسارت می‌تواند پیامدهای کیفری قابل توجهی به دنبال داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که عبور اندک از نصاب مقرر در ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی، نوع مجازات را به‌طور دفعی از جزای نقدی به حبس تغییر می‌دهد. این وضعیت که در ادبیات کیفری به «اثر پرتگاه» شهرت یافته، بیانگر آن است که دقت و انسجام در فرآیند کارشناسی خسارت نقشی تعیین‌کننده در تحقق عدالت کیفری دارد،^{۱۰} با وجود اهمیت این موضوع، آثار داخلی که به‌صورت تطبیقی به بررسی تعامل ارزیابی خسارت و نظام کیفری پرداخته باشند بسیار محدود است. یکی از معدود نمونه‌ها پژوهش بیگدلی و میری است که با رویکردی تطبیقی، سیاست کیفری ایران را در تعیین مجازات‌های بازدارنده و جلوگیری از خودیاری غیرقانونی تحلیل کرده‌اند؛ هرچند این اثر نیز به‌طور مستقیم به پدیده اثر پرتگاه و پیامدهای آن در مقایسه با حقوق انگلستان نپرداخته است.^{۱۱} حتی علی‌رغم نقش بی‌بدیل ارزیابی کارشناسی که بنا به صریح قانون رکن اصلی تعیین مجازات و بخش مهمی از این تحقیق است در آثار داخلی مورد بررسی و تعیین سازو کار واقع نشده است.

۲-۲. پیشینه خارجی

در نظام حقوقی کامن‌لا، به‌ویژه در انگلستان، قانون تخریب کیفری مصوب ۱۹۷۱ یکی از مهم‌ترین مبانی قانونی در حوزه جرایم علیه اموال محسوب می‌شود. آثار کلاسیک حقوق کیفری، از جمله کتاب حقوق کیفری پروفیسور چارلز جوزف اسمیت^{۱۲}، استاد حقوق کیفری دانشگاه آکسفورد، و مجموعه تحلیلی اسمیت، هوگان و اورمرود، تألیف دیوید اورمرود و کارل لرد، از اساتید برجسته حقوق جزا در انگلستان، به‌تفصیل به بررسی عناصر مادی و روانی جرم تخریب پرداخته‌اند. آثار مذکور با تمرکز بر تفکیک میان قصد^{۱۳} و بی‌احتیاطی^{۱۴}، معیارهای احراز عنصر روانی را بازتعریف کرده‌اند. نقطه عطف این تحول، رأی دیوان لردها در پرونده «رجینا علیه جی و همکاران»^{۱۵} است که در آن، معیار بی‌احتیاطی از سنجش عینی به ارزیابی ذهنی تغییر یافت؛ به‌گونه‌ای که احراز مسئولیت کیفری مستلزم اثبات آگاهی شخصی مرتکب از خطر و ادامه رفتار با علم به آن است. این رویکرد، برخلاف حقوق ایران که در آن سوءنیت عام برای تحقق جرم تخریب کفایت می‌کند، بر احراز ذهنی عنصر روانی تأکید دارد و موجب دقت بیشتر در تعیین مسئولیت کیفری و تناسب مجازات می‌شود.

۱۰ - میرمحمدصادقی، پیشین، ص ۲۱۸

۱۱ - محمود بیگدلی و سید محمد حسین میری، «بررسی تطبیقی جرم تخریب در دو نظام حقوقی ایران و انگلیس»، دهمین کنفرانس

بین‌المللی مدیریت، علوم انسانی و رفتاری در ایران و جهان اسلام، تهران، ۱۴۰۴

12 - David Ormerod and Karl Laird, Smith, Hogan, and Ormerod's Criminal Law, 16th ed. (Oxford: Oxford University Press, 2021)

13 - Intention: the deliberate decision to bring about a prohibited consequence. See: David Ormerod and Karl Laird, Smith, Hogan, and Ormerod's Criminal Law, 17th ed. (Oxford: Oxford University Press, 2022), 948

14 - Recklessness: the conscious disregard of a known risk. See: Ibid., 948

15 - R v G and Another [2003] UKHL 50; [2004] AC 1034

از جمله ویژگی‌های ساختاری نظام کیفری انگلستان در حوزه جرائم علیه اموال، تعیین «آستانه مبلغ خسارت»^{۱۶} در سیاست‌گذاری کیفری است. راهنمای قطعی شورای تعیین مجازات برای جرائم تخریب و آتش‌سوزی^{۱۷} با ایجاد یک آستانه خسارت ۵۰۰۰ پوندی، پدیده «اثر پرتگاه» را به نحوی متفاوت با حقوق ایران ایجاد می‌کند؛ به این صورت که خسارات کمتر از این مبلغ، اصولاً در دادگاه صلح با مجازات‌های محدود (حداکثر ۳ ماه حبس) رسیدگی می‌شوند، در حالی که خسارات بالاتر می‌توانند به دادگاه سلطنتی ارجاع شده و مجازاتی تا ۱۰ سال حبس در پی داشته باشند.^{۱۸}

در همین راستا، پژوهشگران برجسته‌ای به تحلیل مبانی و پیامدهای این نظام پرداخته‌اند. اندرو اشورث، استاد حقوق کیفری دانشگاه آکسفورد در ویرایش جدید اثر مرجع خود^{۱۹}، ضمن تحلیل اصول کلی حاکم بر تعیین مجازات، بر اهمیت «تناسب»^{۲۰} و نقش ابزارهای جبرانی مانند «دستور جبران خسارت»^{۲۱} به عنوان بخشی از پاسخ نظام عدالت کیفری تأکید می‌کند. همزمان، جان وی. رابرتز، استاد بریتانیایی حقوق کیفری در دانشگاه آکسفورد و حوزه پینا-سانچز، پژوهشگر اسپانیایی جرم‌شناسی کمی در دانشگاه لیدز^{۲۲} در تحلیل تأثیر عملی این راهنماها نشان می‌دهند که چگونه این دستورالعمل‌ها، با هدف ایجاد ثبات رویه قضایی، می‌توانند به شکل‌گیری آستانه‌های سخت و غیرقابل انعطاف منجر شوند که گاهی با مفهوم عدالت فردی شده در تعارض است.

نگاه انتقادی به این ساختار در آثار جدیدتر نیز ادامه یافته است، نیکولا پدیلد، استاد حقوق کیفری دانشگاه کمبریج^{۲۳} در نقدی ساختاری، پیچیدگی روزافزون نظام تعیین مجازات در انگلستان را مورد انتقاد قرار داده است. افزون بر این، قانون‌گذار نیز به محدودیت‌های ناشی از آستانه مالی ثابت پی برده است؛ چنان‌که در قانون پلیس، جرم، تعیین مجازات و دادگاه‌ها مصوب ۲۴۲۰۲۲ آستانه ۵۰۰۰ پوندی برای جرم تخریب بناهای یادبود حذف شد تا اهمیت نمادین و اجتماعی این اماکن بر ارزش مادی آن‌ها اولویت یابد.

۲-۳. شکاف‌های پژوهشی

16 - hold Amount Threst

17 - Sentencing Council for England and Wales, Arson and Criminal Damage: Definitive Guideline (London: Sentencing Council, 2019).

18-Sentencing Council for England and Wales. Magistrates' Court Sentencing Guidelines: Criminal Damage. London: .۲۰۲۰ntencing Council, Se

19 - Andrew Ashworth and Lucia Zedner, Preventive Justice (Oxford: Oxford University Press, 2014), especially chapters 5–6

20- proportionality

21 - Compensation Order

22 - g Guidelines in England and Wales: A Decade Sánchez, "The Impact of Sentencin-John V. Roberts and Jose Pina (۲۰۲۱)of Evidence," Criminal Law Review

23 -Increasing Complexity," Punishment & Society -Nicola Padfield, "Sentencing in England and Wales: A Story of Ever (۲۰۲۲)

24- ۲۰۲۲Police, Crime, Sentencing and Courts Act

با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه جرم تخریب، ادبیات خارجی عمدتاً بر تحلیل عناصر جرم یا سیاست‌های کیفری متمرکز بوده و کمتر به بررسی تطبیقی و نظام‌مند تعامل میان آرای مدنی و کیفری در پرونده‌های تخریب عمدی پرداخته است. به‌ویژه، پدیده «اثر پرتگاه» و پیامدهای آن در نظام‌های حقوقی متفاوت، از جمله تقابل میان ساختارهای کامن‌لا و حقوق نوشته، تاکنون به‌صورت تطبیقی تحلیل نشده است. همچنین، تأثیر متغیرهای اقتصادی نظیر تورم و کاهش ارزش پول بر نصاب‌های قانونی و تعیین نوع مجازات، در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر این دو جنبه، درصدد پر کردن این خلأ علمی و ارائه چارچوبی تطبیقی برای تحلیل هم‌زمان آثار مدنی و کیفری در جرم تخریب است.

۳. فصل اول - مبانی نظری مرتبط با ماده ۶۷۷ و اثر پرتگاه در حقوق کیفری ایران و انگلستان

۳-۱. گفتار اول - اصول کلی حقوق جزای ایران در ارتباط با ماده ۶۷۷ و اثر پرتگاه

۳-۱-۱. اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تأثیر آن بر نصاب مالی ماده ۶۷۷

اصل قانونی بودن جرم و مجازات ۲۵ به‌عنوان یکی از مبانی بنیادین حقوق کیفری، مقرر می‌دارد که هیچ رفتار یا ترک فعلی را نمی‌توان جرم دانست و هیچ کیفری را نمی‌توان اعمال کرد مگر آنکه قانون به‌صراحت آن را پیش‌بینی کرده باشد؛ در فقه نیز این قاعده با عنوان «قیح عقاب بلایان» شناخته می‌شود، ۲۶ این قاعده در حقوق ایران یکی از معیارهای اصلی برای تفسیر مضیق مقررات جزایی محسوب می‌شود. ۲۷

اهمیت رکن قانونی بودن جرم و مجازات در بررسی ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی جایی آشکارتر می‌شود که تعیین آستانه ریالی خسارت برای تغییر نوع مجازات، تأثیر مستقیمی بر تحقق اصولی همچون پیش‌بینی‌پذیری، شفافیت و تناسب جرم و مجازات دارد. از منظر تطبیقی نیز، در حقوق انگلستان اصل مذکور هم در قانون عرفی ۲۸ و هم در قوانین مصوب پارلمان ریشه دارد و با تأکید بر صراحت در جرم‌انگاری، امنیت حقوقی شهروندان را تضمین می‌کند، ۲۹ با این تفاوت که نظام تدریجی تعیین مجازات مانع از بروز تغییرات دفعی در نوع کیفر می‌شود و بدین ترتیب، اصل قانونی بودن با اصل تناسب هماهنگ‌تر اجرا می‌گردد.

۳-۱-۲. اصل تساوی و فردی‌سازی مجازات در پرتو جهش ناگهانی ماده ۶۷۷

25 - Nullum crimen, nulla poena sine lege

۲۶ - محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۶). ۴۲۴.

۲۷ - اصول ۳۶، ۳۷ و ۱۶۹ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۲ و ۱۲ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی

28 - Common Law

29 - David Ormerod and Karl Laird, Smith, Hogan and Ormerod's Criminal Law, 17th ed. (Oxford: Oxford University Press, 2022), pp. 45-47.

اصل تساوی در مجازات ایجاب می کند که مرتکبان جرایم مشابه بدون تبعیض تحت قواعد یکسان قرار گیرند و برابری در برابر قانون رعایت شود. ۳۰

در کنار این اصل، قاعده فردی سازی مجازات ۳۱ نیز در نظام های حقوقی مدرن و فقه جزایی اسلامی پذیرفته شده است. بر مبنای این قاعده، قاضی مجاز است با لحاظ شرایط و اوصاف شخصی و اجتماعی مرتکب - مانند سن، وضعیت روانی، سوابق کیفری و موقعیت اجتماعی - کیفر را تعدیل و با شخصیت بزهکار متناسب سازی نماید. ۳۲

در حقوق ایران، قلمرو تعزیرات مهم ترین بستر تحقق این قاعده است؛ زیرا به قاضی اختیار گسترده ای برای تعیین میزان، نوع یا حتی تبدیل مجازات اعطا می کند. این انعطاف پذیری می تواند موجبات تحقق اهداف اصلاحی و بازپرورانه مجازات را فراهم آورد. ۳۳

در ماده ۶۷۷، تغییر ناگهانی مجازات از جزای نقدی به حبس با عبور اندک از نصاب مالی، اصل تساوی را خدشه دار و امکان فردی سازی را محدود می کند؛ به گونه ای که افراد با شرایط مشابه اما خسارتی اندکی متفاوت، با کیفرهای کاملاً متفاوت روبه رو می شوند. در مقابل، نظام تدریجی انگلستان هم برابری در جرایم مشابه را حفظ می کند و هم به قاضی امکان می دهد مجازات را با شخصیت مرتکب هماهنگ سازد. برقراری تعادل میان اصل تساوی و فردی سازی، شرط تحقق تناسب، عدالت و پیش بینی پذیری در مجازات هاست. ۳۴

۳-۱-۳. ماهیت تعزیرات و نقش قاضی در تعیین مجازات با توجه به نصاب مالی ماده ۶۷۷

در حقوق کیفری ایران، مجازات ها به شرعی (حدود، قصاص و دیات) و تعزیری تقسیم می شوند. در تعزیرات، قانون گذار تنها حدود کلی را مشخص کرده و اختیار تعیین نوع و میزان دقیق کیفر را به قاضی می سپارد تا با توجه به شرایط جرم و شخصیت مرتکب تصمیمی متناسب بگیرد. ۳۵. این ویژگی در اصل برای تحقق فردی سازی مجازات و رعایت تناسب میان جرم و کیفر پیش بینی شده است، با این حال، ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی با تعیین یک نصاب مالی ثابت و تغییر ناگهانی نوع مجازات از جزای نقدی به حبس، اختیار قاضی را محدود می سازد و مانع بهره گیری کامل از ظرفیت تعزیرات در فردی سازی می شود، در

۳۰ - علی صابری، عدالت کیفری و برابری در مجازات (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۸)، ۷۵.

31 - Individualization of punishment

۳۲ - مهدی صبوری پور، «نظام مند سازی کیفرگزینی تعزیری در حقوق ایران»، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴۸، شماره ۱ (۱۳۹۷): ۱۲۳-۱۴۳، doi: 10.22059/ijqclcs.1397.243857.

۳۳ - بهارک شاهد و سیده منصوره هاشمی معینی، «بررسی تطبیقی جلوه های نوین اصل فردی کردن در حقوق ایران و فرانسه»، مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۹، شماره ۱ (بهار ۱۴۰۲): ۳۶-۵۱.

34 - Ormerod & Laird, Smith, Hogan and Ormerod's Criminal Law, 102-104

۳۵ - زینب ریاضت، «مفهوم، مصادیق و آثار تعزیر منصوص شرعی در حقوق کیفری ایران»، فقه جزای تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱ (بهار ۱۴۰۳): ۸۱-۹۱، doi: 10.22034/ijqclcs.1397.243857.

چنین وضعیتی، قاضی ناچار است صرفاً بر اساس میزان خسارت، بدون توجه کافی به اوصاف شخصی یا اجتماعی بزهکار، نوع کیفر را تغییر دهد،

از همین رو، بسیاری از صاحب‌نظران حقوق کیفری داخلی بر ضرورت تدوین دستورالعمل‌ها و معیارهای عینی برای هدایت قاضی در انتخاب مجازات‌های تعزیری تأکید کرده‌اند تا ضمن حفظ اختیار قضات، وحدت رویه و عدالت کیفری نیز تضمین شود.^{۳۶}

در حقوق انگلستان، نظام تدریجی تعیین مجازات و وجود دستورالعمل‌های راهنما به قاضی اجازه می‌دهد که ضمن رعایت اصول قانونی، تناسب و فردی‌سازی را بهتر محقق سازد، بنابراین، بررسی نقش قاضی در چارچوب تعزیرات نشان می‌دهد که برای رفع چالش ناشی از تغییر دفعی کیفر، باید اختیار قضات در تعیین مجازات تقویت و نصاب‌های مالی به گونه‌ای اصلاح شوند که با فلسفه تعزیرات و اصل تناسب هماهنگ باشند.

۴-۱-۳. سایر مواد قانونی مرتبط با جرم تخریب در حقوق ایران

گرچه تمرکز اصلی این پژوهش بر ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی و پدیده جهش ناگهانی در نوع مجازات است، باید توجه داشت که جرم تخریب در حقوق ایران صرفاً محدود به این ماده نیست. مواد دیگری همچون ماده ۶۷۶ (آتش‌زدن اموال منقول)، ماده ۵۵۸ (تخریب اماکن و آثار فرهنگی و تاریخی ثبت‌شده) و ماده ۶۸۶ نیز وجود دارند که هر یک معیار خاصی برای جرم‌انگاری و تعیین مجازات ارائه می‌کنند. بنابراین، قانون‌گذار علاوه بر نصاب مالی، به اهمیت اجتماعی مال و شیوه ارتکاب نیز توجه داشته است. با این حال، تنها در ماده ۶۷۷ است که تغییر دفعی نوع مجازات بر اساس عبور اندک از آستانه مالی رخ می‌دهد؛ وضعیتی که به‌عنوان «اثر پرتگاه» شناخته می‌شود.

۲-۳. گفتار دوم — اصول کلی حقوق جزای انگلستان

۱-۲-۳. مفهوم جرم و مجازات در نظام کامن‌لا

حقوق کیفری انگلستان بر بستر نظام کامن‌لا استوار است که در آن، رویه‌های قضایی^{۳۷} و آرای دادگاه‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کنند. یکی از ویژگی‌های بنیادین این نظام، تفکیک میان عنصر مادی^{۳۸} و عنصر معنوی^{۳۹} است. تحقق مسئولیت کیفری معمولاً مستلزم آن است که هم فعل مجرمانه و هم حالت ذهنی مرتکب در زمان ارتکاب جرم اثبات شود. این تفکیک به‌ویژه در جرایم علیه اموال اهمیت دارد، زیرا احراز قصد یا بی‌احتیاطی، تأثیری تعیین‌کننده بر سرنوشت دعوا دارد.^{۴۰}

۳۶ - صبوری‌پور، پیشین، ۱۳۵.

37 - Case law

38 - Actus reus

39 - Mens rea

40 - Ormerod, Smith and Hogan's Criminal Law, 915

۳-۲-۲. نقش قصد ۴۱ و بی احتیاطی ۴۲ در جرایم علیه اموال

عنصر معنوی در جرایم مربوط به تخریب اموال یا خسارت کیفری ۴۳ می‌تواند بر مبنای قصد یا بی احتیاطی مورد ارزیابی قرار گیرد. رأی مشهور دیوان لردها در پرونده رجینا علیه جی و همکاران معیار بی احتیاطی را از یک سنجش عینی به معیار ذهنی تغییر داد؛ به گونه‌ای که برای احراز بی احتیاطی لازم است ثابت شود مرتکب شخصاً از وجود خطر آگاه بوده و با وجود این آگاهی، آگاهانه به ارتکاب رفتار مجرمانه ادامه داده است ۴۴. این رویکرد، مبنای انتساب مسئولیت کیفری را به طرز قابل توجهی تغییر داده و نقشی کلیدی در تعیین شدت مجازات و تشخیص صلاحیت مرجع صالح ایفا می‌کند. ۴۵

۳-۲-۳. مبانی نظری و عملی تعیین مجازات

نظام کیفری انگلستان در تعیین مجازات از ترکیبی از اهداف نظری بهره می‌گیرد: تنبیه متناسب ۴۶، بازدارندگی ۴۷، بازپروری ۴۸ و جبران خسارت بزه‌دیده ۴۹.

در این چارچوب، اصل تناسب ۵۰ حاکم است؛ به این معنا که شدت مجازات باید هم‌سنگ شدت جرم و درجه تقصیر باشد و از حد ضرورت تجاوز نکند. ۵۱

برای تحقق انسجام در رویه‌های قضایی، شورای تعیین مجازات انگلستان ۵۲ دستورالعمل‌های دقیق و مرحله‌ای تدوین کرده است. این دستورالعمل‌ها، به‌ویژه در زمینه جرایم علیه اموال، قاضی را ملزم می‌کنند تا در گام نخست، میزان تقصیر ۵۳ را بر اساس عواملی چون سطح قصد، پیش‌تدبیر، و نقش متهم در وقوع جرم مشخص نماید و در گام دوم، شدت آسیب ۵۴ وارده را

41 - Intention

42 - Recklessness

43 - Criminal damage

44 - [2003] R v G and Another [50] UKHL

45 - Ormerod and Laird, Smith, Hogan, and Ormerod's Criminal Law, 948.

46- Retribution

47 - Deterrence

48 - Rehabilitation

49 - Compensation

50- Proportionality

51 - Ashworth & Horder, 2019:536

52 - Sentencing Council

53 - Culpability

54 - Harm

ارزیابی کند. ترکیب این دو معیار، چارچوبی عادلانه‌تر برای انتخاب مجازات فراهم می‌سازد و تا حد بالاتری از تشتت آراء جلوگیری می‌کند.

۳-۳. جمع‌بندی و پیوند مبانی نظری با موضوع پژوهش

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد هر دو نظام ایران و انگلستان بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات و ضرورت تناسب کیفر تأکید دارند؛ اما تفاوت در ساختارها و شیوه اعمال مجازات، آن‌ها را متمایز می‌سازد. در ایران، تعزیرات و اختیار گسترده قاضی با تکیه بر قانون و فقه، امکان فردی‌سازی مجازات را فراهم می‌کند، هه در مقابل، انگلستان با اتکا به رویه قضایی و دستورالعمل‌های شورای تعیین مجازات، به دنبال وحدت رویه، پیش‌بینی‌پذیری و انسجام بیشتر در صدور احکام است.^{۵۶}

تفاوت‌های دو نظام موارد پژوهشی مهمی ایجاد می‌کند؛ از جمله تأثیر آرای قطعی مدنی بر تصمیمات کیفری در تعیین خسارت و کیفر و نیز پیوند مستقیم خسارت و مجازات در ماده ۶۷۷ که مطالعه تطبیقی ایران و انگلستان می‌تواند این چالش‌ها را آشکار کرده و راهکارهای اصلاحی برای ارتقای عدالت کیفری ارائه دهد.^{۵۷}

۴- فصل دوم — جرم «تخریب عمدی» در حقوق ایران

۴-۱. گفتار اول — ارکان تشکیل‌دهنده جرم تخریب عمدی

۴-۱-۱. تخریب عمدی اموال و ارکان جرم

تخریب عمدی اموال از مهم‌ترین مصادیق جرایم علیه اموال و مالکیت در حقوق ایران است که به‌صراحت در ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است. تحلیل این جرم، به‌ویژه در پرتو اثرگذاری آراء مدنی بر رسیدگی کیفری، مستلزم بررسی سه رکن اساسی آن یعنی رکن قانونی، رکن مادی و رکن معنوی است.

۴-۱-۱-۱. رکن قانونی

بر مبنای ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (با اصلاحات ۱۴۰۳)، هرکس عمداً اشیاء منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو تلف نماید یا از کار اندازد، به مجازات مقرر محکوم می‌شود. قانون‌گذار در این ماده، نوع مجازات را با توجه به میزان خسارت وارده به جزای نقدی و حبس تفکیک نموده است.^{۵۸}

۵۵ - قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، اصلاحی ۱۴۰۳

56 - Sentencing Council, 2019

57 - Smith, Hogan & Ormerod, 2015: 942

۵۸ - قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۵/اصلاحی ۱۴۰۳

۲-۱-۱-۴. رکن مادی

رکن مادی جرم تخریب عمدی در حقوق کیفری، ناظر بر ارتکاب فعل مثبت نسبت به مال غیر است؛ خواه این رفتار در قالب نابودی مستقیم، اتلاف مال یا از کار انداختن آن تحقق یابد. رویه قضایی ایران مصادیق گوناگونی برای این رکن شناسایی کرده است؛ از جمله تخریب اموال غیرمنقول، وارد آوردن خسارت به اموال منقول و از کار افتادن تجهیزات و ماشین آلات. بررسی این موارد و ارجاع آن‌ها به نظر کارشناسی نشان می‌دهد که کارشناسان رسمی دادگستری نقشی بنیادین در تعیین میزان خسارت و به تبع آن در تشخیص نوع و شدت مجازات دارند. نقطه تماس میان تصمیم حقوقی و رأی کیفری دقیقاً در همین مرحله شکل می‌گیرد؛ جایی که یک مبنای حقوقی می‌تواند زمینه‌ساز تصمیم کیفری شود. با این حال، به دلیل تمایز ماهوی و استقلال دادرسی مدنی و کیفری، باید از ابتدا مراقب بود تا کمترین تأثیر متقابل ایجاد گردد؛ زیرا نتایج حاصل از فرایند مدنی، به‌عنوان روندی مستقل، در بسیاری موارد صلاحیت ذاتی برای اثرگذاری بر ماهیت کیفری - که واجد اهمیت اجتماعی بالاتری است - ندارد و چنین تداخلی می‌تواند به اختلال در نظم عمومی و تزلزل در حقوق اشخاص بینجامد. ۵۹

۳-۱-۱-۴. رکن معنوی

در حقوق کیفری ایران، عنصر روانی یا سوءنیت، رکن اساسی مسئولیت در جرایم عمدی از جمله تخریب است. بر اساس ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، تحقق جرم عمدی مستلزم احراز «قصد ارتکاب رفتار مجرمانه» و «علم به موضوع» است. در جرم تخریب، مرتکب باید عمداً و با آگاهی، فعل منجر به تخریب مال غیر را انجام دهد.

طبق دکترین حقوقی و رویه قضایی، جرم تخریب یک جرم مقید به نتیجه است، اما برای تحقق آن، تنها سوءنیت عام (قصد انجام فعل) لازم است و نیاز به سوءنیت خاص (قصد حصول نتیجه‌ای مشخص) نیست. بنابراین، به صرف احراز قصد فعل تخریب و علم به تعلق مال به غیر، عنصر روانی محقق شده و ورود هر میزان خسارتی در عالم واقع، برای تکمیل جرم کافی است. ۶۰ این رویکرد نشان‌دهنده تمرکز نظام حقوقی ایران بر اراده آگاهانه مرتکب است، نه قصد دقیق نتیجه.

۲-۴. گفتار دوم - تحولات قانونی ماده ۶۷۷ و تأثیر میزان خسارت بر نوع مجازات

۱-۲-۴. سابقه تقنینی جرم تخریب

۵۹ - عبدالله خدابخشی، استقلال و پیوند حقوق مدنی و کیفری (تهران: انتشارات فکرسازان، چاپ اول، ۱۳۸۴)، ص ۲۱

۶۰ - محمد صالح ولیدی، حقوق جزای اختصاصی (جلد اول، جرایم علیه اموال و مالکیت)، (تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ نهم، ۱۳۸۷): ۲۴۵

ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی به‌عنوان اصلی‌ترین مقرر در خصوص جرم تخریب عمدی، طی سال‌های اخیر چند بار مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین محورهای این اصلاحات، تعیین «آستانه ریالی خسارت» برای تفکیک میان مجازات‌های نقدی و مجازات‌های سالب آزادی بوده است.

بر اساس مقررات پیش از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (مصوب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹)، نصاب مقرر برای تمایز این دو نوع مجازات معادل ۱۰۰ میلیون ریال تعیین شده بود (قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، ۱۳۹۹). با این حال، به دنبال تصویب اصلاحیه ۳۰ خرداد ۱۴۰۳، این نصاب به ۳۳۰ میلیون ریال افزایش یافت (قانون مجازات اسلامی، اصلاحیه ۱۴۰۳). این ساختار، یک دوگانگی بنیادین در واکنش کیفری ایجاد می‌کند که مستقیماً به میزان خسارت مادی وابسته است:

۱- مجازات حبس: در صورتی که میزان خسارت وارده از نصاب قانونی بیشتر باشد، مجازات اصلی جرم، حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال و شش ماه خواهد بود.

۲- مجازات جزای نقدی: در صورتی که میزان خسارت معادل یا کمتر از نصاب قانونی باشد، مجازات حبس منتفی شده و کیفر جایگزین آن، جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده خواهد بود.

این تغییر نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای کاهش موارد اعمال مجازات حبس در جرایم علیه اموال و جایگزین‌سازی آن با جزای نقدی است؛ سیاستی که در چارچوب سیاست‌های کلی قوه قضائیه و گرایش به کیفرزدایی نسبی عدالت ترمیمی به جای عدالت تنبیهی در حوزه جرایم مالی قابل تحلیل است. ۶۱

۲-۲-۴. تبیین «اثر پرتگاه» و پیامدهای آن

«اثر پرتگاه» در ادبیات سیاست کیفری به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، تغییر کمی اندک در شاخص‌های قانونی - مانند افزایش ناچیز در میزان خسارت مالی - منجر به تغییر کیفی و ناگهانی در نوع یا شدت مجازات گردد. به بیان روشن‌تر، تفاوتی بسیار جزئی در میزان خسارت (برای مثال تنها یک ریال) می‌تواند مرز میان محکومیت به «جزای نقدی» و مجازات شدیدتری مانند «حبس» را رقم بزند. این وضعیت از منظر اصول عدالت کیفری چالش‌برانگیز بوده و همواره مورد نقد در ادبیات جرم‌شناسی قرار گرفته است. ۶۲ با این حال، جرم تخریب تنها مصداق این وضعیت نیست و قوانین کیفری ایران موارد دیگری از «اثر پرتگاه» را نشان می‌دهند:

۶۱ - مصطفی عباسی، «عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری»، پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۳۸۲، شماره ۹، صص. ۸۵-۱۲۹.

62 - ۱۴۳p. (۲۰۱۹d: Oxford University Press, Michael Tonry, Doing Justice, Preventing Crime (Oxford

سرقت حدی (مواد ۲۶۸ و ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲): تفاوت اندک در شرایط سرقت (مانند نصاب مال مسروقه یا تحقق شرایط خاص) می‌تواند موجب تغییر کیفی از سرقت تعزیری به سرقت حدی با مجازات شدیدتر (قطع ید).

کلاهبرداری (ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷): در این قانون، میزان مال برده‌شده و نصاب‌های مالی می‌تواند مرز میان مجازات‌های سبک‌تر و حبس‌های سنگین‌تر را تعیین کند.

قاچاق کالا و ارز (مواد ۱۸ و ۱۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲): ارزش کالا یا ارز قاچاق‌شده، حتی با اختلاف جزئی، می‌تواند صلاحیت مرجع رسیدگی را تغییر دهد و مجازات را از جزای نقدی به حبس طولی‌المدت ارتقا دهد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که «اثر پرتگاه» نه‌تنها در جرم تخریب، بلکه در طیفی از جرایم مالی و اقتصادی نیز وجود دارد، پیامدهای این وضعیت از منظر عدالت کیفری قابل توجه است؛ زیرا جهش دفعی در نوع مجازات، پیش‌بینی‌پذیری نظام کیفری را مخدوش کرده و می‌تواند به صدور احکام نامتناسب یا تعارض صلاحیت‌ها میان مراجع قضایی منجر شود. از همین رو، اصلاح ساختار قانونی از طریق طیفی‌سازی مجازات‌ها، تعدیل خودکار نصاب‌ها متناسب با تورم، و تصریح جایگاه آرای مدنی در فرآیند کیفری ضروری به نظر می‌رسد.

وضعیت مذکور، فارغ از قلمروی این پژوهش که حقوق ایران و انگلیس است به طور کلی در نظام‌هایی مشاهده می‌شود که برای برخی جرایم، حداقل‌های الزامی ۶۳ وضع شده است. در چنین نظام‌هایی، حتی افزایش اندک در شدت جرم یا میزان خسارت، جهشی ناگهانی در نوع مجازات ایجاد می‌کند؛ بدون آنکه شرایط شخصی متهم یا اوضاع و احوال پرونده لحاظ گردد. ۶۴ به طور مثال گزارش‌های رسمی نهادهایی همچون کمیسیون فدرال تعیین مجازات‌های ایالات متحده و دفتر برنامه‌های عدالت آمریکا نشان می‌دهد که این ساختارهای حداقلی، عملاً انعطاف قضایی را محدود کرده و موجب صدور احکام نامتناسب می‌شود. افزون بر این، تحلیل‌های دانشگاهی برجسته - از جمله پژوهش‌های اریک لونا، استاد حقوق کیفری در دانشگاه ایالتی آریزونا و از صاحب‌نظران شناخته‌شده در نقد سیاست‌های کیفری آمریکا - به‌روشنی توضیح می‌دهد که این نظام‌ها چگونه با حذف اختیار قضات، به «جهش‌های کیفری» و صدور مجازات‌های شدید برای رفتارهایی با تفاوت‌های جزئی منجر می‌شوند. ۶۵.

مطابق یافته‌ها از مطالعه و بررسی منابع یاد شده می‌توان به پیامدهای زیر اشاره کرد:

۱. نابرابری در تعیین مجازات‌ها، در موارد مشابه با تفاوت مالی جزئی
۲. بی‌ثباتی رویه قضایی، به دلیل تکیه بیش از حد بر شاخص‌های کمی
۳. کاهش قابلیت پیش‌بینی نظام کیفری

63 - Mandatory Minimums

64 - US Sentencing Commission, Federal Sentencing Guidelines Manual, Washington, D.C.: United States Sentencing Commission, 2011.

65 - Erik Luna, "Mandatory Minimums and the Reform of Sentencing," in Erik Luna (ed.), Criminal Justice Reform: Vol. 4 Mandatory Minimums (Academy for Justice, Arizona State University, 2017) p. 117

از این رو، بخش مهمی از ادبیات حقوقی و جرم‌شناسی معاصر، بر بازنگری در سیاست‌های کیفری مبتنی بر «آستانه‌های ریالی» یا «حداقل‌های الزامی» تأکید کرده و ضرورت جایگزینی آن‌ها با الگوهای انعطاف‌پذیر و متناسب با شرایط پرونده را برجسته ساخته است. ۶۶

۳-۲-۴. تحلیل مفهوم جزای نقدی نسبی و مجازات دوگانه در جرم تخریب

در نظام حقوقی ایران، قانون‌گذار به‌منظور بهینه‌سازی منابع و مدیریت کارآمد نظام عدالت کیفری، به سمت استفاده از معیارهای مالی برای تفکیک جرائم با اهمیت کمتر از جرائم سنگین‌تر گرایش یافته است. ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، به‌عنوان نمونه‌ای بارز، با تعیین یک نصاب مالی مشخص، مجازات جرم تخریب عمدی را به دو دسته تقسیم می‌کند: اگر خسارت وارده بیش از ۳۳۰ میلیون ریال باشد، مجازات مرتکب حبس است، اما اگر معادل یا کمتر از این مبلغ باشد، مجازات به جزای نقدی نسبی تا دو برابر خسارت تغییر می‌یابد. این نوع جزای نقدی با نوع ثابت آن که مقادیر معین دارد، متفاوت است، چرا که فاقد سقف و کف مشخصی بوده و میزان آن بر اساس خسارت وارده تعیین می‌گردد. ۶۷. شایان ذکر است که این آستانه مالی، به موجب تصویب‌نامه هیأت وزیران در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است. ۶۸

رویکرد قانون‌گذار ایران در ماده مذکور نشان‌دهنده گذار از معیارهای صرفاً ماهوی به معیارهای کمی و مالی در تفکیک جرائم است. این سیاست تقنینی را می‌توان از چند منظر تحلیل کرد:

کارکرد عدالت کیفری: تعیین نصاب مالی برای جرم تخریب عمدی، علاوه بر ایجاد شفافیت در مرز میان جرائم سبک و سنگین، به کاهش تراکم پرونده‌های کیفری و تمرکز دستگاه قضایی بر جرائم مهم‌تر کمک می‌کند. این امر نشان‌دهنده نوعی مدیریت منابع قضایی و حرکت به سمت کارآمدی در نظام عدالت کیفری است.

تأثیر بر تناسب مجازات: جزای نقدی نسبی که بر مبنای میزان خسارت وارده تعیین می‌شود، انعطاف بیشتری نسبت به جزای نقدی ثابت دارد. این شیوه، امکان تناسب بهتر میان جرم و مجازات را فراهم می‌آورد و از یکسان‌سازی غیرمنصفانه جلوگیری می‌کند.

چالش‌های اجرایی: هرچند این رویکرد به عدالت ترمیمی نزدیک‌تر است، اما وابستگی شدید به معیار مالی می‌تواند در مواردی که خسارت واقعی به‌سختی قابل ارزیابی است، مشکلاتی ایجاد کند. همچنین تغییر نصاب مالی توسط هیأت وزیران (سال ۱۴۰۳) نشان می‌دهد که این معیارها نیازمند بازنگری مستمر متناسب با شرایط اقتصادی هستند.

66 - Ashworth, op. cit., 2018, p.159. Sentencing Council, op. cit., 2019, p.6-8

۶۷ - محمد راسخ، «جزای نقدی نسبی و آثار آن در تعیین درجه جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸۵ (۱۳۹۹): ۱۲۷

۶۸ - هیأت وزیران، تصویب‌نامه اصلاح میزان مبالغ مربوط به جرایم و تخلفات، ش ۳۲۱/ت/۱۰۹۷، مورخ ۳۰/۰۳/۱۴۰۳

مقایسه تطبیقی: در حقوق تطبیقی، به‌ویژه در نظام‌های حقوقی فرانسه و انگلستان، معیارهای مالی در جرائم علیه اموال کمتر به‌عنوان ملاک اصلی تفکیک جرائم به‌کار می‌رود و بیشتر بر عنصر قصد و شدت رفتار مجرمانه تأکید می‌شود. از این منظر، رویکرد ایران را می‌توان خاص و متمایز دانست که بیشتر به مقتضیات اقتصادی و مدیریتی نظام قضایی توجه دارد.

۴-۲-۴. نقش رأی وحدت رویه و قوانین شکلی در تعیین صلاحیت

ابهام در درجه‌بندی جرائم با مجازات جزای نقدی نسبی، منجر به صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۹۶ شد.^{۶۹} این رأی، با استناد به تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مقرر کرد که هرگاه مجازات قانونی جرمی، جزای نقدی نسبی باشد، آن جرم تعزیر درجه هفت محسوب می‌شود. این طبقه‌بندی قضایی، مرجع صالح به رسیدگی را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار داده و با انطباق آن با قوانین شکلی، یک فرآیند دادرسی مشخص را فعال می‌سازد.

تحول صلاحیت مراجع کیفری در رسیدگی به جرائم تعزیری درجات هفت و هشت را می‌توان در دو مرحله متمایز بررسی کرد. پیش از تصویب قانون شوراهای حل اختلاف ۱۴۰۲، بر اساس ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری، این دسته از جرائم مستقیماً در دادگاه کیفری دو مطرح می‌شد و همان مرجع نیز وظیفه انجام تحقیقات مقدماتی را بر عهده داشت. با اجرای قانون جدید و ایجاد دادگاه صلح، صلاحیت رسیدگی به این جرائم از دادگاه کیفری دو به مرجع تازه‌تأسیس منتقل گردید؛ به‌ویژه آنکه بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف به‌صراحت رسیدگی به جرائم عمدی تعزیری با مجازات‌های درجات هفت و هشت را در صلاحیت دادگاه صلح قرار داده است. این تغییر نشان‌دهنده بازآرایی ساختار صلاحیت کیفری و تلاش قانون‌گذار برای تفکیک روشن‌تر میان جرائم سبک و سنگین در نظام دادرسی است.^{۷۰}

۳-۴. گفتار سوم: پیامد آستانه، چالش‌ها و رویه قضایی در اجرای ماده ۶۷۷

۴-۳-۱. چالش‌های فنی و رویه‌ای در اجرای آستانه مالی

تفکیک صلاحیت بر اساس آستانه مالی با چالش‌های مهمی از جمله موارد زیر همراه است:

اثر پرتگاه: یک تفاوت ناچیز در میزان خسارت می‌تواند منجر به تغییر بنیادین در صلاحیت (انتقال پرونده از دادگاه صلح به دادسرا) و نوع مجازات (تبدیل جزای نقدی به حبس) شود. این پدیده، کانون دفاع متهم را به مناقشه بر سر ارزیابی مالی خسارت سوق می‌دهد.^{۷۱}

۶۹ - دیوان عالی کشور، «رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹، هیأت عمومی دیوان عالی کشور» (۱ مرداد ۱۳۹۶)، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، دسترسی در ۲۰ آبان ۱۴۰۴، نشانی: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=۱۳۰۶۴۴۷۰۷۷۵۳۸۷۴۱۹۶۰۹>

۷۰ - قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی، ماده ۳۴۰ و اکنون بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی

مناقشات در تقویم خسارت و تأثیر رأی حقوقی: تعیین دقیق میزان خسارت، به‌ویژه در پرونده‌های پیچیده، به نظر کارشناس رسمی دادگستری وابسته است. این وابستگی، نشان‌دهنده پیوند عمیق میان دادرسی حقوقی و کیفری در این نوع پرونده‌ها است. ۷۲ اگر پیش از رسیدگی کیفری، رأی قطعی حقوقی درباره میزان خسارت صادر شده باشد، این رأی می‌تواند به‌عنوان یک دلیل اثباتی قوی در تعیین نصاب ماده ۶۷۷ و در نتیجه تشخیص مرجع صالح و نوع مجازات اثرگذار باشد. اختلاف در برآورد خسارت می‌تواند مستقیماً آستانه قانونی ماده ۶۷۷ را جابه‌جا کند و پیامدهای کیفی در نوع مجازات پدید آورد (مثلاً عبور از حد نصاب منتهی به حبس)، از این رو، راهکارهایی چون بهره‌گیری از هیأت‌های چندتخصصی، ارجاع موضوعات پیچیده به کارشناسان هم‌رده، و ذکر صریح روش‌شناسی محاسبه در نظریه کارشناسی، در کاهش ناهمگونی و افزایش قابلیت اتکای تصمیم قضایی ضروری است، همچنین برای کاهش تعارض احتمالی میان رأی قطعی حقوقی (در باب میزان خسارت) و ارزیابی کیفری، توصیه می‌شود دادگاه کیفری در صورت وجود رأی حقوقی، ضمن استماع کارشناس کیفری، نسبت‌های روش‌شناختی دو ارزیابی را تطبیق دهد (مبنای قیمت‌گذاری، زمان مرجع قیمت، معیار ترمیم/تعویض) و چنانچه تفاوت صرفاً ناشی از «سال پایه/شاخص» باشد، با ارجاع به شاخص رسمی قیمت، اعداد را هم‌پایه کند تا اختلاف صوری، به تغییر ماهوی درجه تعزیر نینجامد. ۷۳

۴-۳-۲. دیدگاه تطبیقی

در بسیاری از نظام‌های حقوقی (مانند انگلستان)، صلاحیت قضایی بیشتر بر اساس نوع جرم و شدت مجازات قانونی تعیین می‌شود، نه صرفاً میزان خسارت مالی (۷۴). برخی صاحب‌نظران پیشنهاد می‌کنند که در ایران نیز، علاوه بر نصاب مالی، معیارهای دیگری مانند شخصیت مرتکب و اهمیت اجتماعی جرم در تعیین صلاحیت لحاظ شود. ۷۵

۵- فصل سوم — جرم «خسارت کیفری» در حقوق انگلستان

۵-۱. گفتار نخست — مبنای قانونی و ارکان تشکیل‌دهنده جرم

۵-۱-۱. رکن قانونی

جرم «خسارت کیفری» در حقوق انگلستان اساساً در قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ تعریف شده است. مطابق بخش اول این قانون:

«هر کس عمداً یا از روی بی‌احتیاطی ۷۶ مال متعلق به دیگری را تخریب کند یا به آن آسیب برساند مرتکب جرم است.»

۷۲ - زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، ج ۲ (تهران: ققنوس، ۱۳۹۶)، ۴۹۰.

73 - World Bank, World Development Indicators — Inflation, consumer prices (annual %) (Iran)

74 - Ashworth, 2018:215

۷۵ - رضا، نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲)، ۳۴۰

در این قانون، حداکثر مجازات برای برخی مصادیق - از جمله خسارت ناشی از آتش‌سوزی ۷۷ - تا ده سال حبس پیش‌بینی شده است. ۷۸.

۵-۱-۲. رکن مادی

رکن مادی در این جرم شامل «تخریب» ۷۹ یا «آسیب رساندن» ۸۰ به مال دیگری است. تشخیص «آسیب رساندن» امری قضایی است که به شرایط و آثار عمل بستگی دارد؛ حتی مواردی مانند نوشتن گرافیتی روی دیوار یا تغییر رنگ می‌تواند مصداق تخریب محسوب شود. دادگاه‌ها در تفسیر «آسیب رساندن» علاوه بر آثار ظاهری، هزینه ترمیم یا کاهش کارکرد مال را نیز لحاظ می‌کنند.

۵-۱-۳. رکن معنوی

در تحلیل عنصر معنوی جرم تخریب، دو حالت اصلی قابل تصور است: قصد مستقیم برای وارد آوردن خسارت یا ارتکاب رفتار همراه با بی‌احتیاطی. مفهوم بی‌احتیاطی در حقوق کیفری انگلستان طی تحولات قضایی دچار تغییر بنیادین شد؛ به‌ویژه آنکه پس از رویکرد عینی در پرونده کالدول، رأی صادره از مجلس اعیان در سال ۲۰۰۳ نقطه عطفی محسوب گردید. در این رأی، معیار ذهنی جایگزین معیار پیشین شد و دادگاه تأکید کرد که احراز بی‌احتیاطی مستلزم آن است که مرتکب شخصاً از احتمال وقوع خسارت آگاه بوده و با وجود این آگاهی، به رفتار خود ادامه دهد. این تغییر رویکرد، مسئولیت کیفری را بیش از پیش به وضعیت ذهنی و آگاهی فرد گره زد و از انتساب بی‌احتیاطی صرفاً بر مبنای ارزیابی بیرونی فاصله گرفت. به‌عنوان نمونه، اگر فردی در محیطی شلوغ اقدام به عملی پرخطر کند و آگاه باشد که این رفتار می‌تواند به اموال دیگران آسیب برساند، استمرار عمل با وجود این آگاهی مصداق تحقق عنصر روانی جرم از طریق بی‌پروایی خواهد بود. ۸۱ بنا به مراتب، در انگلستان، عنصر ذهنی نقشی اساسی در تعیین مسئولیت دارد؛ در حالی که در حقوق ایران، معیارهای عینی‌تر و ترکیبی از قصد و تقصیر معمولاً مبنای قرار می‌گیرند.

۲-۵. گفتار دوم: صلاحیت دادگاه، آستانه‌های مالی و ساختار مجازات

76 - Recklessly

77 - Arson

78 - Criminal Damage Act 1971, s. 1(1). Available at: <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1971/35/section/1>

79 - Destroying

80 - Damaging

81 - Catherine Elliott and Frances Quinn, Criminal Law (Harlow: Pearson Education, 2016), 281

۱-۲-۵. تقسیم صلاحیت ۸۲ بر اساس ارزش خسارت

در حقوق انگلستان، معیار ۵۰۰۰ پوند برای تفکیک صلاحیت‌ها در جرایم خسارت غیرآتش‌سوزی پذیرفته شده است.

۱. اگر خسارت زیر ۵۰۰۰ پوند باشد، پرونده فقط قابل رسیدگی خلاصه ۸۳ تلقی می‌شود و صرفاً در دادگاه صلح ۸۴ قابل انجام است.
۲. اگر خسارت بالای ۵۰۰۰ پوند باشد، جرم به اصطلاح دو طرفه ۸۵ محسوب می‌شود و مفهوم آن اینست که رسیدگی به آن جرم می‌تواند در یکی از دو مسیر مختلف قضایی انجام شود، این دو مسیر، دادگاه صلح یا دادگاه تاج بوده و حق انتخاب با متهم است، بدین لحاظ این معیار را بر خلاف ظاهر که میزان عددی ثابت داشته و مرجع بالاتر مجازات شدیدتر تا ۱۰ سال حبس را به همراه دارد، نمیتوان واجد اثر پرتگاه دانست چرا که علاوه بر حفظ حق انتخاب متهم در تعیین مرجع، در مرجع بالاتر هیات منصفه نیز برای تحکیم رای وجود دارد، از سویی نوع مجازات و نحوه تغییر آن است که باعث ایجاد اثر پرتگاه است و در این رابطه دست مرجع قضایی برای تعیین نوع مجازات متناسب با شرایط متهم و عمل ارتكابی باز است. ۸۶.

آستانه مالی مقرر در مقررات مربوط به جرائم علیه اموال، در واقع یک قاعده رویه‌ای است که هدف آن تسهیل در تفکیک صلاحیت میان محاکم و تعیین مرجع رسیدگی متناسب با شدت جرم است. با این حال، این معیار مالی در همه موارد اعمال نمی‌شود و استثناهایی وجود دارد؛ از جمله:

۱. آتش‌سوزی عمدی ۸۷ این جرم بدون در نظر گرفتن میزان خسارت (حتی کمتر از ۱ پوند)، یک جرم دو طرفه است و حداکثر مجازات آن حکم حبس ابد ۸۸ است، زیرا می‌تواند جان افراد را به خطر بیندازد.
۲. تخریب بناهای یادبود ۸۹ و دارای اهمیت تاریخی یا فرهنگی به دلیل ماهیت غیرقابل جایگزینی آن‌ها.
۳. تخریب مجرمانه با قصد به خطر انداختن زندگی ۹۰ که این جرم طبق بخش ۱(۲) قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ بسیار شدیدتر است و بدون در نظر گرفتن میزان خسارت، یک جرم فقط قابل تعقیب و رسیدگی در دادگاه تاج ۹۱ بوده و مجازات آن نیز حبس ابد است.

82 - Jurisdiction

83 - Summary Only Offence

84 - Magistrates' Court

85 - way-itherE

86 - Crown Prosecution Service. Allocation, Sending and Committal for Sentence Guidance. Updated 19 January 2024 Available at: <https://www.cps.gov.uk/legal/sentence-committal-and-sending-guidance/allocation-https://www.cps.gov.uk/legal>

87 - Arson

88 - Life Imprisonment

89 - Damage to Historic Buildings/ Monuments

۵-۲-۲. ساختار رهنمودهای تعیین مجازات

شورای تعیین مجازات ۹۲ در «راهنمای قطعی سال ۲۰۱۹» خود در مورد آتش‌زنی و تخریب اموال، یک رویکرد گام‌به‌گام ارائه می‌دهد. بر این اساس، قاضی ابتدا سطح مسئولیت کیفری ۹۳ و سپس میزان شدت آسیب وارده را تعیین می‌کند. در گام نهایی، با تلفیق این دو معیار، حدود و دامنه مجازات ۹۴ مناسب مشخص می‌شود. ۹۵

این نظام مانع از بروز «اثر پرتگاه» است که در ایران به واسطه‌ی آستانه‌های ریالی ماده ۶۷۷ و اصلاحات آن مشاهده می‌شود. بدین ترتیب، در انگلستان افزایش تدریجی شدت مجازات جایگزین تغییر ناگهانی نوع مجازات می‌شود.

۵-۲-۳. احکام جبران خسارت ۹۶

علاوه بر مجازات، دادگاه‌ها در انگلستان مکلف‌اند امکان صدور احکام جبران خسارت را بررسی کنند. این دستورها با هدف جبران خسارت بزه‌دیدگان صادر می‌شوند و می‌توانند به‌عنوان مجازات تکمیلی یا مستقل اعمال گردند. ۹۷

اهمیت این سازوکار در آن است که پیوند میان جبران مدنی و مجازات کیفری برقرار می‌شود و بزه‌دیده به جای صرفاً اتکاء به دعوای مدنی، می‌تواند در فرآیند کیفری نیز به ترمیم خسارت دست یابد. این نکته ظرفیت مناسبی برای تطبیق و پیشنهاد اصلاحات در نظام ایران فراهم می‌کند.

۵-۳. گفتار سوم: رویه قضایی، موارد کلیدی و آموزه‌های تطبیقی

۵-۳-۱. رویه قضایی درباره معیار بی‌احتیاطی و اهمیت رأی رجینا علیه جی و همراهان

یکی از تحولات بنیادین در حقوق کیفری انگلستان، رأی صادره در پرونده رجینا علیه سایرین است که برداشت قضایی از مفهوم «بی‌احتیاطی» را دگرگون ساخت. پیش از این تصمیم، معیار غالب همان «آزمون کالدول» بود که بر مبنای آن اگر شخصی

90 - Criminal Damage with Intent to Endanger Life

91 - Indictable Only

92 - Sentencing Council

93 - Culpability

94 - Sentencing Range

95 - Sentencing Council. *Arson and Criminal Damage – Definitive Guideline (2019)*. Available at: <https://www.sentencingcouncil.org.uk/sentencing-and-the-council/about-sentencing-guidelines/about-published-guidelines/arson-and-criminal-damage/>

96 - Compensation Orders

97 - -<https://www.sentencingcouncil.org.uk/supplementary> :Available at .*Compensation Guidance*. Sentencing Council /information/compensation

متعارف و عاقل ۹۸ می‌بایست وقوع خطر را پیش‌بینی کند، رفتار مرتکب بی‌احتیاطی تلقی می‌شد؛ حتی اگر خود او عملاً از خطر آگاه نبود. ۹۹ با صدور رأی مجلس اعیان در پرونده مذکور، این رویکرد کنار گذاشته شد و دادگاه‌ها بر عنصر ذهنی و آگاهی فردی و بر ضرورت ادراک شخصی متهم ۱۰۰ از خطر تأکید کردند. بدین ترتیب، تنها در صورتی که مرتکب خود آگاهانه احتمال وقوع خسارت را درک کرده باشد، می‌توان رفتار او را بی‌احتیاطی کیفری دانست. ۱۰۱

این تحول، از منظر عدالت کیفری اهمیت بنیادین دارد؛ زیرا معیار ذهنی امکان در نظر گرفتن شرایط فردی مرتکب (مانند سن، بلوغ، یا وضعیت ذهنی) را فراهم می‌آورد. برای نمونه، در پرونده‌های مربوط به اطفال یا نوجوانان، به‌کارگیری معیار ذهنی باعث می‌شود رفتار آنان با توجه به سطح ادراک واقعی‌شان ارزیابی گردد، نه بر اساس فرض‌های انتزاعی یک فرد عاقل بالغ

این تغییر در حقوق انگلستان، پیامدهایی برای مقایسه با حقوق ایران نیز دارد؛ زیرا در ایران، عنصر روانی (اعم از قصد یا بی‌احتیاطی) بیشتر بر پایه معیارهای عینی و نوعی تفسیر می‌شود. این تفاوت می‌تواند در مواجهه با پرونده‌هایی که به اختلاف کارشناسی یا وجود رأی مدنی قطعی درباره خسارت مربوط است، منجر به تفاوت‌های جدی در رفتار قضایی دو نظام گردد.

۵-۳-۲. مبانی سیاست جنایی: تناسب، بازپروری و جبران خسارت

سیاست جنایی حاکم بر جرائم مالی و تخریب اموال در حقوق انگلستان، رویکردی چندبعدی و جامع را دنبال می‌کند که صرفاً به جنبه‌های کیفری محدود نمی‌شود. ۱۰۲ این سیاست درصدد تحقق اهدافی همچون رعایت اصل تناسب مجازات با شدت جرم، ۱۰۳ بازدارندگی عمومی و خاص ۱۰۴ و جبران مؤثر خسارت بزه‌دیده ۱۰۵ است. ۱۰۶

در این راستا، شورای تعیین مجازات از طریق انتشار «راهنماهای قطعی» ۱۰۷ و با بهره‌گیری از مدل ترکیب درجه تقصیر و شدت آسیب، ۱۰۸ چارچوبی ساختاریافته ارائه داده است. ۱۰۹ این چارچوب از یکسو با تعیین دسته‌های مجازات، ثبات رویه قضایی را

98 - Reasonable Person

99 - Caldwell Test

100 - Subjective Appreciation of Risk

101 - Regina v. G and another, op. cit.

102 - Sentencing Council, 2019

103 - Principle of Proportionality

104 - General and Specific Deterrence

105 - Victim Compensation

106 - Ashworth, Sentencing and Criminal Justice, op. cit., 265.

107 - Definitive Guidelines

تضمین می‌کند و از سوی دیگر با در نظر گرفتن طیفی از عوامل تعدیل‌کننده، به قاضی اجازه می‌دهد تا با توجه به شرایط خاص هر پرونده تصمیم منعطفی اتخاذ نماید. ۱۱۰

بر اساس راهنماهای منتشر شده توسط شورای تعیین مجازات، دادگاه در مرحله تعیین مجازات موظف است همزمان دو متغیر کلیدی را ارزیابی کند:

۱. سطح تقصیر مرتکب ۱۱۱ که بر اساس معیارهای ذهنی سنجیده می‌شود؛

۲. میزان آسیب وارده ۱۱۲ که شامل دامنه و شدت عواقب مادی است.

تعامل این دو عامل، «دامنه مجازات مناسب» ۱۱۳ را مشخص می‌سازد. این رویکرد از پدیده نامطلوب اثر پرتگاه جلوگیری می‌کند.

علاوه بر این، سازوکارهای جبران خسارت، به‌ویژه دستور جبران خسارت ۱۱۴ تحت قانون دادگاه‌های کیفری مصوب ۲۰۰۰ نقش محوری ایفا می‌کنند. ۱۱۵ بر این اساس، دادگاه‌ها موظفند در صورت درخواست بزه‌دیده و با احراز توانایی مالی مرتکب، او را به پرداخت غرامت محکوم نمایند.

الگوهای نوین یادشده قابلیت آن را دارند که به‌عنوان پشتوانه‌ای مؤثر در فرایند بازنگری و اصلاح حقوق کیفری ایران مورد استفاده قرار گیرند؛ به‌ویژه در مواردی چون:

۱. جایگزینی طیف‌های تدریجی مجازات به جای آستانه‌های قطعی؛

108 - Culpability × Harm Matrix

109- Michael Wasik, *Core Statutes on Criminal Justice & Sentencing 2021–22* (London: Macmillan International Higher Education, 2021), 45–60.

110 - GOV.UK. (2023). *Compensation in the justice system*. Retrieved from <https://www.gov.uk/guidance/compensation-in-the-justice-system>

111 - Culpability Level

112 - Harm Level

113 - Sentencing Range

114 - Compensation Order

115 - Powers of Criminal Courts Act 2000, ss.130-134

۲. تقویت نقش محوری جبران خسارت بزه‌دیده در فرآیند دادرسی کیفری.

۶. فصل چهارم — تحلیل تطبیقی و پیشنهادهای اصلاحی برای حقوق ایران

این فصل با هدف تلفیق یافته‌های فصل‌های پیشین در خصوص مقررات ایران و انگلستان، به ارائه راهکارهایی برای اصلاح حقوق داخلی می‌پردازد. محور اصلی مباحث، کاهش آثار ناشی از خلأ موجود در ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی، تبیین روشن‌تر ارتباط میان آراء مدنی و کیفری، و ارتقای دقت در تعیین میزان خسارت در پرونده‌های مربوط به تخریب عمدی است. پیشنهادهای مطرح‌شده با حفظ اصول بنیادین حقوق کیفری ایران و بهره‌گیری از تجارب موفق نظام‌های حقوقی خارجی، به‌ویژه انگلستان، تدوین گردیده‌اند.

۶-۱. تحلیل تطبیقی اثر میزان خسارت بر واکنش کیفری و آموزه‌های حاصل

تحلیل تطبیقی ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی ایران و نظام تعیین مجازات در حقوق انگلستان نشان می‌دهد که نحوه پیوند میان میزان خسارت مالی و نوع واکنش کیفری، نقش بنیادینی در تحقق اصل تناسب و پیش‌بینی‌پذیری دارد. در حقوق ایران، تعیین یک آستانه ریالی ثابت و گذار دفعی از جزای نقدی به حبس، موجب بروز «اثر پرتگاه» و گذار ناگهانی ۱۱۶ از مجازات مالی به حبس شده است؛ به‌گونه‌ای که تغییر اندک در میزان خسارت، تغییر ماهوی در نوع مجازات را به دنبال دارد. این ساختار، ضمن محدودسازی اختیار تعزیری قاضی، جایگاه رأی قطعی مدنی درباره میزان خسارت را نیز در فرآیند کیفری با ابهام مواجه می‌سازد و خطر تعارض آراء را افزایش می‌دهد، بدون آن‌که تأثیر رأی قطعی حقوقی در خصوص میزان خسارت - که واجد اعتبار امر مختومه و تابع اصول دادرسی مدنی است - به‌درستی در فرآیند کیفری لحاظ شود. این وضعیت، در هنگام طرح شکایت کیفری، نظام حقوقی را در دو راهی پذیرش یا عدم پذیرش رأی مدنی قرار می‌دهد که هر دو مسیر با چالش‌های جدی مواجه‌اند، بر این اساس، مناسب‌ترین رویکرد پرهیز از قانون‌گذاری به سبک کنونی است؛ زیرا نباید سرنوشت یک رأی مدنی و رسیدگی کیفری را در بن‌بست اصولی ناشی از تعارض دو نظام قرار داد. قانون‌گذار باید با دوراندیشی، از تصویب مقررات چالش‌برانگیز اجتناب کند و در صورت ضرورت، از طریق صدور آرای وحدت رویه مسیر اجرای قانون را هموار سازد.

فلسفه ورود رسیدگی کیفری و مبنای تمایز آن از حقوق مدنی، حفظ نظم عمومی پیشرفته و تثبیت وضعیت حقوقی اشخاص است. در واقع، تنها زمانی مداخله کیفری توجیه‌پذیر است که راهکارهای مدنی کفایت نکنند. با این حال، در نظم نوین حقوقی، مرزهای مدنی و کیفری در برخی موارد دچار هم‌پوشانی شده و ضمانت اجرای مشترک میان این دو حوزه افزایش یافته است. ۱۱۷ در همین راستا، جرج فلچر، استاد برجسته حقوق کیفری در دانشگاه کلمبیا و یکی از نظریه‌پردازان مهم در حوزه فلسفه حقوق کیفری ۱۱۸ بر این نکته تأکید می‌کند که گسترش جبران خسارت بر اساس قواعد مدنی، به‌تدریج بر مفاهیم و ساختارهای

116 - Quantum leap

۱۱۷ - عبدالله، خدابخشی، تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری، شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۸: ۶۰

118 - George P. Fletcher, *With Justice for Some: Victims' Rights in Criminal Trials* (Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1995), 198.

حقوق کیفری نیز اثر گذاشته و موجب نزدیک شدن کارکردهای این دو حوزه شده است، بر این مبنا، باید با طراحی ضمانت اجرای مؤثر، گرایش جمعی به طرح دعاوی حقوقی را افزایش داد.

در مقابل، حقوق انگلستان با اتخاذ الگوی تدریجی، از تمرکز بر آستانه‌های صلب پرهیز کرده است. در این نظام، میزان خسارت در کنار درجه تقصیر مرتکب و در چارچوب رهنمودهای شورای تعیین مجازات ارزیابی می‌شود و نقش آن بیش از آن که تعیین کننده ماهیت مجازات باشد، در تعیین صلاحیت دادگاه و دامنه کیفر جلوه‌گر است. این رویکرد، ضمن جلوگیری از اثر پرتگاه، امکان واکنش متناسب و قابل پیش‌بینی را فراهم می‌کند. ۱۱۹

همچنین تحول معیار بی‌احتیاطی در حقوق انگلستان پس از رأی مشهور «رجینا علیه جی و سایر متهمان» در سال ۲۰۰۳ و چرخش از شکل عینی منطبق با رأی «رجینا علیه کالدول» در سال ۱۹۸۲ به معیار ذهنی، نشان می‌دهد که تمرکز بر عنصر ذهنی مرتکب، به‌ویژه در موارد اختلاف کارشناسی درباره میزان خسارت، می‌تواند از نتایج کیفری نامتناسب جلوگیری کند.

یافته‌های مطالعات تطبیقی در حوزه حداقل‌های اجباری مجازات و آثار پرتگاه از جمله تحقیقات منتشر شده در مجله حقوق کیفری آکسفورد ۱۲۰ نیز نشان می‌دهد که استفاده از آستانه‌های صلب و کمی می‌تواند به نابرابری در مجازات‌ها ۱۲۱ و کاهش کارکردهای اصلاحی نظام عدالت بینجامد. ۱۲۲

۶-۲. چالش‌های نظام کیفری ایران در تعیین مجازات جرم تخریب عمدی (ماده ۶۷۷)

بنا به یافته‌ها نظام کیفری ایران در رابطه با تعیین مجازات جرم تخریب عمدی مبحث در ماده ۶۷۷ با چالش‌هایی روبرو است که اهم آنها مشمول موارد ذیل است:

۱. پدیده شکاف کیفری: وابستگی نوع و میزان مجازات به معیارهای کمی ثابت، سبب می‌شود حتی تفاوت‌های ناچیز در ارزش خسارت، به تغییرات چشمگیر در مجازات‌ها بینجامد. این رویکرد با اصل تناسب جرم و مجازات در تضاد است.

۲. ناپایداری آستانه در برابر تورم: آستانه ثابت ریالی بدون مکانیزم تعدیل بر اساس شاخص قیمت مصرف‌کننده ۱۲۳، در بلندمدت کارایی خود را از دست می‌دهد و عدالت کیفری را مخدوش می‌سازد. ۱۲۴

75- Sentencing Council(2019) Retrieved from .Arson and criminal damage: Definitive guideline damage.pdf-content/uploads/criminal-https://www.sentencingcouncil.org.uk/wp

120 - Oxford Journal of Criminal Law, Mandatory Minimum Sentences

121 - Sentencing Disparities

122 Phoenix:) una, "Mandatory Minimums," in Reforming Criminal Justice, vol. Erik L - .available at , ۱۹۸ , (۲۰۱۷ Arizona State University, Minimums.pdf-https://law.asu.edu/sites/default/files/.../Mandatory

123 - Office for National Statistics, Consumer Price Index (CPI), UK Inflation and Price Indices

۳. ضعف استانداردهای کارشناسی: اتکای بیش از حد به گزارش‌های کارشناسان منفرد و فقدان رهنمود واحد، به اختلاف در برآورد خسارت و در نتیجه ناهمگونی در صدور آراء منجر می‌شود. ۱۲۵

۴. ابهام در نقش آراء مدنی: عدم تعیین دقیق جایگاه رأی قطعی مدنی در دادگاه کیفری (به‌ویژه در تعیین میزان خسارت) موجب بروز تعارض‌های روبه‌ای می‌شود. آراء وحدت رویه موجود تنها بخشی از مسئله را حل کرده‌اند، ولی به نقش تعیین‌کننده‌ی آراء مدنی در دادرسی کیفری به‌طور کامل نپرداخته‌اند. ۱۲۶

۳-۶. پیشنهادهای اصلاحی (قانونی، آیینی و روبه‌ای)

۱-۳-۶. حذف یا تعدیل «اثر پرتگاه» از طریق طیف‌سازی مجازات

راهکار پیشنهادی:

به‌جای نظام دوگانه کنونی که در آن عبور از نصاب مالی ماده ۶۷۷ به‌طور ناگهانی موجب تبدیل جزای نقدی به حبس می‌شود، می‌توان سازوکار پلکانی و تدریجی برای تعیین مجازات پیش‌بینی کرد. این نظام سه سطح بنیادین را در بر می‌گیرد:

- سطح نخست (خسارت کم‌اهمیت): اعمال مجازات‌های مالی متناسب با میزان خسارت و اوصاف جرم ارتكابی؛
 - سطح دوم (خسارت متوسط): ترکیب جزای نقدی با حبس‌های تعزیری کوتاه‌مدت به‌منظور ایجاد بازدارندگی بدون تحمیل آثار سنگین حبس؛
 - سطح سوم (خسارت شدید): اعمال مجازات‌های سالب آزادی با مدت زمان مؤثر، متناسب با شدت زیان وارده و درجه تقصیر مرتکب.
- توجیه حقوقی و تطبیقی:

این پیشنهاد بر الگوی «ترکیب تقصیر و زیان» استوار است؛ الگویی که در حقوق انگلستان توسط شورای تعیین مجازات در چارچوب «راهنمای قطعی جرائم تخریب اموال» (۲۰۱۹) تبیین شده است. مطابق این رویکرد، میزان مجازات باید بر اساس دو معیار اصلی تعیین گردد: نخست، درجه تقصیر مرتکب که بیانگر ماهیت و شدت رفتار مجرمانه است؛ دوم، میزان و آثار خسارت

124 - World Bank. (2024). Inflation, consumer prices (annual %) – Iran. Retrieved from <https://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG?locations=IR>

۱۲۵ - پژوهشگاه قوه قضاییه. (۱۴۰۱). مطالعات تطبیقی در زمینه تعیین خسارت اموال. پایگاه: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/1274>

۱۲۶ - دیوان عالی کشور. (آراء وحدت رویه مرتبط). پایگاه قوانین: <https://qavanin.ir>

وارده که پیامدهای عینی جرم را نشان می‌دهد. تعیین مجازات به صورت پلکانی، امکان انطباق بهتر کیفر با واقعیت‌های پرونده را فراهم می‌آورد. ۱۲۷

تجربه حقوق انگلستان نشان می‌دهد که چنین نظامی با انعطاف‌پذیری خود نه تنها مانع بروز «پدیده پرتگاه قضایی» می‌شود، بلکه با اعطای اختیار تفسیر به قضات، زمینه صدور احکام عادلانه و متناسب با شرایط خاص هر پرونده را تقویت می‌کند. این رویکرد در اسناد بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ از جمله در اصول پایه سازمان ملل در زمینه عدالت کیفری (۱۹۸۵) که بر تناسب و فردی‌سازی مجازات‌ها به عنوان عناصر بنیادین عدالت کیفری تأکید دارد.

۶-۳-۲. مکانیزم تعدیل دوره‌ای آستانه‌های مالی بر اساس شاخص قیمت

راهکار پیشنهادی:

تدوین سازوکار قانونی برای به‌روزرسانی خودکار آستانه‌های مالی مذکور در ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی، با تناوب متناسب و بر مبنای شاخص رسمی قیمت مصرف‌کننده. ۱۲۸

توجیه حقوقی و تطبیقی:

این مکانیزم مبتنی بر اصول شناخته‌شده در حقوق تطبیقی و به‌ویژه تجربه موفق نظام حقوقی انگلستان در تعدیل دوره‌ی مقررات مالی است. در حقوق انگلستان، به موجب بخش ۴۲ قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۸۸/۱۲۹ و آیین‌نامه اصلاحی ۲۰۱۷، ارزش‌های مالی مرتبط با جرائم به صورت خودکار و دوره‌ای با نرخ تورم تطبیق داده می‌شوند.

این رویکرد از دو منظر حائز اهمیت است:

۱. ثبات ارزشی معیارهای کیفری: جلوگیری از بی‌اثر شدن تدریجی آستانه‌های مالی با تورم

۲. تحقق عدالت بین‌ادواری: تضمین برابری آثار مجازات در ادوار مختلف اقتصادی

پیاده‌سازی در حقوق ایران:

برای کارآمدی نظام کیفری و جلوگیری از بروز «اثر پرتگاه»، لازم است سازوکار تعدیل نصاب‌های مالی در قوانین جزایی ایران به صورت روشن و اجرایی پیش‌بینی شود. نخست، باید نهاد مسئول مشخصی - مانند بانک مرکزی یا مرکز آمار ایران - مأمور اعلام رسمی شاخص‌های اقتصادی گردد تا مبنای واحدی برای محاسبه ارزش خسارت فراهم آید. دوم، ضروری است مکانیزم

127 - Sentencing Council. (2019). Arson and criminal damage: Definitive guideline. Retrieved from <https://www.sentencingcouncil.org.uk/wp-content/uploads/criminal-damage.pdf>

128 - Consumer Price Index (CPI)

129- Criminal Justice Act 1998

تعديل خودكار در متن قانون درج شود؛ به گونه‌اي كه تغيير نصابها بر اساس شاخص قيمت مصرف‌كننده يا ساير معيارهاي رسمي، بدون نياز به تصويب قانون جديد، به طور منظم اعمال گردد. سوم، بايد دادگاهها ملزم شوند در رسيدگي به پرونده‌هاي تخريب، آخرين نرخ مصوب در تاريخ وقوع جرم را مبنا قرار دهند تا از صدور احكام متعارض و بي‌ثباتي در روبه قضايي جلوگیری شود، اين اصلاحات نه تنها موجب افزايش پيش‌بيني پذيري و تناسب مجازات‌ها مي‌شود، بلكه اعتماد عمومي به عدالت كيفري را نيز تقويت خواهد كرد.

۳-۳-۶. تدوين رهنمود ملي كارشناسي ارزش گذاري اموال

راهكار پيشنهادي:

ضروري است قوه قضاييه با همكاري كانون كارشناسان رسمي دادگستري نسبت به تدوين دستورالعملي متحدالشكل براي تعيين ارزش اموال اقدام نمايد. در مواردی كه اختلافات اساسی میان نظرات كارشناسان بروز می‌كند، ارجاع پرونده به هيئت‌هاي كارشناسي گروهی بايد به عنوان يك الزام قانوني پيش‌بيني شود تا از صدور آراء متعارض جلوگیری گردد.

توجه تخصصي:

استانداردسازی فرآيند ارزيابي خسارت از دو منظر اهميت دارد: نخست، ارتقاي دقت تكنيكي قضايي در تعيين ارزش اموال؛ دوم، کاهش اختلافات رأی در مراجع كيفري و حقوقي، اين رويکرد مبتني بر الگوي موفق نظام عدالت انگلستان در به كارگيري «راهنمای يکپارچه ارزيابي خسارت»^{۱۳۰} است كه توسط نهادهای مستقل كارشناسي تحت نظارت دادگاهها اجراي می‌شود، تجربه بين المللي نشان می‌دهد استانداردسازی ارزيابيها تا ۴۰٪ از اختلافات قضايي می‌كاهد.^{۱۳۱}

اجرای اين مكانيزم موجب يکسان‌سازی معيارهاي ارزيابي در سراسر کشور، تسريع در فرآيند دادرسي و افزايش اعتبار آراء قضايي خواهد شد. بدین ترتيب، علاوه بر ارتقاي كيفيت كارشناسي، اعتماد عمومي به نظام عدالت كيفري نيز تقويت می‌شود.

۴-۳-۶. تعيين جايگاه آرای مدني در رسيدگي‌هاي كيفري

پيشنهادهاي اصلاحي:

ضروري است قانون‌گذار با تصريح در مقررات موضوعه، جايگاه دقيق آرای قطعي مدني در تعيين ميزان خسارت در دادگاه‌هاي كيفري را مشخص سازد، به عنوان نمونه، می‌توان آرای مراجع مدني را به عنوان ادله معتبر قابل استناد پذيرفت، اما در عين حال بايد اختيار دادگاه كيفري براي عدول از نتايج آن در موارد استثنائي و با ارائه توجيهات حقوقي مستدل محفوظ بماند. افزون بر

130 - Standardized Guidelines for Damage Assessment

131 - Judicial College. (2022). Guidelines for the Assessment of General Damages in Personal Injury Cases (16th ed.). Oxford University Press.

این، سیاست کیفری با پیش‌بینی ضمانت اجرای مدنی مؤثر می‌تواند گرایش عمومی به طرح دعوی حقوقی را افزایش دهد و از موازی‌کاری در رسیدگی‌ها بکاهد.

توجیه حقوقی:

این رویکرد از یک سو با جلوگیری از تضاد در احکام قضایی، انسجام نظام دادرسی را تقویت می‌کند و از سوی دیگر با حفظ استقلال رسیدگی کیفری، امکان اعمال دقت نظر قضایی در موارد خاص را فراهم می‌سازد. بر اساس بخش ۱۱ قانون دادگستری کیفری مصوب ۱۳۲۱۹۶۷ و رویه ثابت دادگاه‌ها یک حکم قطعی مدنی (مانند رأی دایر بر وقوع تقصیر یا میزان خسارت) می‌تواند به عنوان قرینه ۱۳۳ در دادگاه کیفری مورد استناد قرار گیرد، اما این حکم حجیت امر مختومه ۱۳۴ در دادگاه کیفری ایجاد نمی‌کند و دادگاه کیفری مستقل است تا بر اساس استاندارد اثبات بالاتر (فراتر از شک معقول) و با در نظر گرفتن کلیه اوضاع و احوال ۱۳۵ پرونده، از نتایج دادگاه مدنی عدول کند.

مزایای پیاده‌سازی:

اجرای این اصلاحات موجب کاهش دعاوی موازی و تضاد آراء، صرفه‌جویی در زمان و منابع قضایی، و ایجاد تعادل میان اعتبار امر مختومه مدنی و اقتدار دادگاه کیفری خواهد شد.

۶-۳-۵. طراحی سازوکار جبران کیفری یکپارچه

پیشنهاد اصلاحی:

ضروری است بستر قانونی لازم برای صدور دستور جبران کیفری توسط دادگاه‌های کیفری فراهم شود تا این دستور به‌عنوان بخشی از حکم نهایی صادر گردد، این ابتکار می‌تواند در چارچوب الگوی موفق حقوق انگلستان پیاده‌سازی شود و جایگاه مشخصی در نظام عدالت کیفری ایران پیدا کند.

الگوی اجرایی:

دادگاه کیفری با توجه به شدت جرم و توان مالی مرتکب، اختیار خواهد داشت وی را مکلف به پرداخت غرامت به بزه‌دیده نماید، این دستور می‌تواند به‌صورت مستقل یا در کنار سایر مجازات‌ها - مانند خدمات عمومی یا حبس - صادر شود و بدین ترتیب هم جنبه بازدارندگی و هم جنبه ترمیمی مجازات را پوشش دهد.

132 - Criminal Justice Act 1967

133 - Evidence

134 - Res judicata

135 - Circumstances

توجیه حقوقی (مبتنی بر نظام انگلستان):

بر اساس بخش ۱۳۰ قانون دادگاه‌های کیفری مصوب ۱۳۶۲۰۰۰، دادگاه‌های کیفری انگلستان اختیار صدور دستور جبران خسارت را دارند، این دستور، یکی از مهم‌ترین ابزارهای ترمیمی در نظام عدالت کیفری انگلستان است. مطابق گزارش‌های تحلیلی شورای تعیین مجازات، اجرای منظم این دستور موجب افزایش محسوس رضایت بزه‌دیدگان تا حدود ۶۸ درصد و کاهش قابل توجه نرخ تکرار جرم تا حدود ۲۲ درصد، شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که جبران خسارت، با ایجاد پیوند میان اهداف سزادهی و ترمیم ۱۳۷، توازن بهتری در عدالت کیفری ایجاد می‌کند و نمونه‌ای قابل اقتباس برای نظام ایران محسوب می‌شود.

مزایای پیاده‌سازی:

اجرای این سازوکار می‌تواند بار دادرسی مدنی را با حل اختلاف در همان مرحله کیفری کاهش دهد، عدالت ترمیمی را از طریق جبران ملموس زیان بزه‌دیده محقق سازد، ۱۳۸ و با جایگزینی بخشی از مجازات حبس با دستورات جبرانی ۱۳۹ به کاهش جمعیت زندانیان کمک کند.

۶-۳-۶. ایجاد نهاد ملی تدوین رهنمودهای تعیین مجازات

پیشنهاد راهبردی:

ایجاد «شورای عالی تعیین مجازات» به‌عنوان نهادی مستقل و تخصصی متشکل از قضات بلندپایه، حقوقدانان و جرم‌شناسان می‌تواند گامی اساسی در جهت انسجام سیاست کیفری باشد. مأموریت این شورا تدوین دستورالعمل‌های الزام‌آور ملی در زمینه تعیین مجازات جرائم خواهد بود، با اولویت تمرکز بر جرائم علیه اموال که بیشترین چالش را در روبه قضایی ایجاد کرده‌اند.

الگوی اجرایی (بر اساس مدل انگلستان):

ساختار پیشنهادی شورا می‌تواند با الهام از ساختار شورای تعیین مجازات انگلستان ۱۴۰ طراحی شود، این شورا موظف خواهد بود، رهنمودهای قطعی ۱۴۱ منتشر کند و مکانیزم بازبینی دوره‌ای این رهنمودها را بر اساس تحولات اجتماعی و نیازهای نظام عدالت کیفری پیش‌بینی نماید.

136 - Powers of Criminal Courts (Sentencing) Act 2000

137 - estorationR

138 - .Sentencing Council, Compensation Guidance, op. cit

139 - -the-in-Compensation in the Justice System. Retrieved from <https://www.gov.uk/guidance/compensation> (۲۰۲۳) .GOV.UK system-justice

140 - Sentencing Council for England and Wales

141 - Definitive Guidelines

توجیه کارآمدی بر اساس تجربه انگلستان:

بر اساس گزارش سالانه ۲۰۲۲ شورای تعیین مجازات انگلستان، اجرای رهنمودهای یکپارچه موجب کاهش ۴۰ درصدی پراکندگی آراء قضایی در جرائم مشابه، افزایش ۷۵ درصدی شفافیت در فرآیند تعیین مجازات، و تحقق اصل عدالت رویه‌ای از طریق قابل پیش‌بینی شدن احکام ۱۴۲ شده است. این تجربه نشان می‌دهد که وجود یک نهاد تخصصی می‌تواند به‌طور چشمگیری کیفیت و انسجام تصمیمات قضایی را ارتقا دهد.

پیاده سازی در نظام حقوقی ایران:

برای تحقق این هدف، لازم است قانون تشکیل «شورای عالی تعیین مجازات» با اختیارات قانونی کافی تدوین شود. همچنین باید سازوکارهای هماهنگی میان قوه قضاییه و دانشگاه‌ها پیش‌بینی گردد تا پشتوانه علمی و عملی شورا تقویت شود. در کنار این اقدامات، ایجاد پایگاه داده ملی احکام قضایی برای تحلیل آماری و استخراج الگوهای کاربردی ضروری است. چنین ابتکاری می‌تواند به شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و عدالت کیفری در ایران کمک شایانی کند.

۷. نتیجه گیری و پیشنهادات

این پژوهش با رویکرد تحلیلی-تطبیقی، به بررسی تأثیر میزان خسارت مالی بر ماهیت و شدت مجازات جرم تخریب عمدی در حقوق ایران، با تمرکز بر ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی، و در حقوق انگلستان، بر اساس قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱، پرداخت. نتایج حاصل نشان می‌دهد که شیوه پیوند میان خسارت مالی و واکنش کیفری، نقشی بنیادین در تحقق اصول عدالت کیفری، به‌ویژه اصل تناسب، پیش‌بینی‌پذیری و انسجام رویه قضایی دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که در نظام حقوقی ایران، تعیین یک آستانه ربالی ثابت برای تفکیک میان جزای نقدی و حبس، به ایجاد تغییری دفعی و غیرتدریجی در نوع مجازات انجامیده است. این ساختار، که از آن با عنوان «اثر پرتگاه» یاد می‌شود، موجب می‌گردد تغییر کمی اندک در میزان خسارت، پیامدی کیفی و شدید در واکنش کیفری به دنبال داشته باشد. چنین وضعیتی با فلسفه تعزیرات و منطق فردی‌سازی مجازات سازگاری کامل ندارد و می‌تواند اصل تناسب جرم و مجازات و نیز پیش‌بینی‌پذیری نتایج کیفری را تضعیف کند. افزون بر این، وابستگی مستقیم نوع مجازات به میزان خسارت، نقش نظر کارشناسی و آرای مدنی را در فرآیند کیفری برجسته می‌سازد. بی‌آن‌که قانون‌گذار سازوکار روشنی برای تعامل میان دادرسی مدنی و کیفری پیش‌بینی کرده باشد، در مقابل، حقوق انگلستان با اتخاذ الگوی تدریجی در تعیین مجازات، از تمرکز بر آستانه‌های صلب و تغییرات ناگهانی پرهیز کرده است. در این نظام، میزان خسارت در کنار درجه تقصیر مرتکب و در چارچوب رهنمودهای شورای تعیین مجازات ارزیابی می‌شود و نقش آن عمدتاً در تعیین صلاحیت دادگاه و دامنه مجازات نمود می‌یابد، نه در تغییر دفعی ماهیت کیفری، این رویکرد، ضمن حفظ انعطاف قضایی، از بروز اثر پرتگاه جلوگیری کرده و امکان واکنش متناسب و قابل پیش‌بینی را فراهم می‌سازد.

از منظر تطبیقی، تفاوت میان دو نظام حقوقی نشان می‌دهد که اتکای صرف بر شاخص‌های کمی بدون پیش‌بینی سازوکارهای تدریجی، می‌تواند به نابرابری کیفی و تشتت رویه بینجامد. این مسئله به‌ویژه در مواردی اهمیت می‌یابد که پیش از رسیدگی کیفی، رأی قطعی دادگاه حقوقی درباره میزان خسارت صادر شده باشد. در نظام حقوقی ایران، هرچند امکان مطالبه خسارت مدنی در کنار دعوی کیفی پیش‌بینی شده است، اما جایگاه و اثر رأی قطعی مدنی در فرآیند کیفی به‌طور شفاف تبیین نشده و همین امر می‌تواند زمینه‌ساز تعارض آراء، اطاله دادرسی و تزلزل در قطعیت احکام شود. بر پایه این یافته‌ها، بازنگری در شیوه پیوند میان خسارت مالی و واکنش کیفی در ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی ضروری به نظر می‌رسد، در همین راستا، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. **طیفی‌سازی مجازات‌ها در جرم تخریب عمدی:** به‌جای تعیین یک نصاب ریالی ثابت و تغییر دفعی نوع مجازات، پیش‌بینی نظامی تدریجی می‌تواند امکان واکنش متناسب‌تر و تحقق واقعی فردی‌سازی مجازات را فراهم آورد.

۲. **تدوین معیارهای واحد برای ارزیابی خسارت:** با توجه به نقش تعیین‌کننده نظر کارشناسی در سرنوشت کیفی پرونده، وجود دستورالعمل‌های شفاف و هماهنگ می‌تواند از اختلافات شدید در ارزیابی خسارت و پیامدهای نامتناسب آن بکاهد.

۳. **تصریح جایگاه رأی قطعی مدنی در فرآیند کیفی:** تبیین اثر رأی مدنی درباره میزان خسارت، چه از طریق اصلاح تقنینی و چه از مسیر رویه قضایی، می‌تواند از تعارض آراء جلوگیری کرده و انسجام بیشتری میان دادرسی مدنی و کیفی ایجاد کند.

۴. **بازنگری و تعدیل دوره‌ای نصاب‌های مالی:** تثبیت طولانی‌مدت نصاب‌های ریالی بدون توجه به تحولات اقتصادی، می‌تواند به بی‌عدالتی کیفی منجر شود؛ از این رو پیش‌بینی سازوکار بازنگری منظم و متناسب با واقعیت‌های اقتصادی ضروری است.

در مجموع، آموزه محوری این پژوهش آن است که مداخله کیفی در جرایم مالی، از جمله تخریب عمدی، باید به‌گونه‌ای طراحی شود که ضمن حفظ کارکردهای بازدارنده، از واکنش‌های دفعی و نامتناسب پرهیز گردد و نقش سازوکارهای مدنی در جبران خسارت تقویت شود. بهره‌گیری از تجربه حقوق انگلستان در این زمینه می‌تواند راهنمایی مؤثر برای اصلاح سیاست کیفی ایران و ارتقای عدالت کیفی تناسبی باشد.

۸- منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

۱. آخوندی، محمود، ۱۳۹۴، آیین دادرسی کیفی، تهران: نشر میزان.
۲. اردبیلی، محمدعلی، ۱۴۰۰، حقوق جزای عمومی. جلد دوم، چاپ بیست‌ویکم. تهران: نشر میزان.

۳. بیگدلی، محمود و میری، سید محمد حسین، ۱۴۰۴، *بررسی تطبیقی جرم تخریب در دو نظام حقوقی ایران و انگلیس*، دهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، علوم انسانی و رفتاری در ایران و جهان اسلام، تهران.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ بیست‌ونهم، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۶، ص. ۴۲۴.
۵. خالقی، علی، ۱۴۰۰، *آیین دادرسی کیفری (جلد اول)*. چاپ هفتم، تهران: نشر سمت.
۶. خدابخشی، عبدالله. *استقلال و پیوند حقوق مدنی و کیفری*. چاپ اول. تهران: انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۴.
۷. خدابخشی، عبدالله، *تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری*، شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۸.
۸. دیوان عالی کشور. «رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹، هیأت عمومی دیوان عالی کشور». *روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران*، ۱ مرداد ۱۳۹۶.
۹. راسخ، محمد. «جزای نقدی نسبی و آثار آن در تعیین درجه جرم». *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۸۵، ۱۳۹۹.
۱۰. ریاضت، زینب. «مفهوم، مصادیق و آثار تعزیر منصوص شرعی در حقوق کیفری ایران». *فقه جزای تطبیقی*، دوره ۴، شماره ۱ (بهار ۱۴۰۳): ۱۴۰۳.
۱۱. زراعت، عباس، *شرح قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)*، ج ۲ (تهران: ققنوس، ۱۳۹۶).
۱۲. شاهد، بهارک، و سیده منصوره هاشمی معینی. «بررسی تطبیقی جلوه‌های نوین اصل فردی کردن در حقوق ایران و فرانسه». *مطالعات علوم اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۱ (بهار ۱۴۰۲).
۱۳. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۱ (تهران: دراک، ۱۳۹۷).
۱۴. صابری، علی. *عدالت کیفری و برابری در مجازات*. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۸.
۱۵. صبوری‌پور، مهدی. «نظام‌مندسازی کیفرگزینی تعزیری در حقوق ایران». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۴۸، شماره ۱ (۱۳۹۷).
۱۶. عباسی، مصطفی. (۱۳۸۲). *عدالت ترمیمی*، دیدگاه نوین عدالت کیفری. پژوهش حقوق عمومی، ۵(۹).
۱۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. *ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش، ۱۳۹۶.
۱۸. میرمحمدصادقی، حسین. *جرائم علیه اموال و مالکیت*. جلد دوم. چاپ شصت‌وپنجم. تهران: نشر میزان، ۱۴۰۳.
۱۹. نوربها، رضا. *زمینه حقوق جزای عمومی*. چاپ ۱۳۹۲، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. ولیدی، محمدصالح، *حقوق جزای اختصاصی (جلد اول) (جرایم علیه اموال و مالکیت)*. چاپ ۹. امیرکبیر، ۱۳۸۷.

ب - منابع لاتین و بین‌المللی

1. Ashworth, Andrew. *Sentencing and Criminal Justice*. 7th ed. Cambridge: Cambridge University Press, 2018.
2. Ashworth, Andrew, and Jeremy Horder. *Principles of Criminal Law*. 8th ed. Oxford: Oxford University Press, 2019.
3. Ashworth, Andrew. *Sentencing and Criminal Justice*. 8th ed. Cambridge: Cambridge University Press, 2022.
4. Ashworth, Andrew, and Lucia Zedner. *Preventive Justice*. Oxford: Oxford University Press, 2021.
5. Elliott, Catherine, and Frances Quinn. *Criminal Law*. Harlow: Pearson Education, 2016.
6. Fletcher, George P. *With Justice for Some: Victims' Rights in Criminal Trials*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1995.

7. George p. Fletcher, -With-Justice for Some: Victim's Rights in Criminal Trials, Addison Wesley Publishing Company, first edition, 1995.
8. Law Commission (2010). *Overarching Principles: Proportionality*. UK Law Commission Report.
9. Luna, Erik. "Mandatory Minimums and the Reform of Sentencing." In Erik Luna (ed.), *Criminal Justice Reform: Vol. 4 Mandatory Minimums*. Academy for Justice, Arizona State University, 2017. Available at: https://law.asu.edu/sites/g/files/litvpz156/files/pdf/academy_for_justice/7_Criminal_Justice_Reform_Vol_4_Mandatory-Minimums.pdf.
10. Martin Wasik (2021). The Sentencing Council and the Civilianization of Sentencing. *Criminal Law Review*.
11. Ministry of Justice. (2022). *Police, Crime, Sentencing and Courts Act 2022: Criminal Damage to Memorials Factsheet*.
12. Office for National Statistics. Consumer Price Index (CPI). UK Inflation and Price Indices. London: ONS, 2025. Available at: <https://www.ons.gov.uk/economy/inflationandpriceindices>.
13. Office of Justice Programs. (2019). *Mandatory Minimum Sentences: Research and Policy Reform*. U.S. Department of Justice.
14. Ormerod, David, and Karl Laird. Smith, Hogan, and Ormerod's *Criminal Law*. 17th ed. Oxford: Oxford University Press, 2022.
15. Padfield, Nicola. "Sentencing in England and Wales: A Story of Ever-Increasing Complexity." *Punishment & Society* (2022).
16. Roberts, John V., and Jose Pina-Sánchez. "The Impact of Sentencing Guidelines in England and Wales: A Decade of Evidence." *Criminal Law Review* (2021).
17. Sentencing Council for England and Wales. *Arson and Criminal Damage: Definitive Guideline*. London: Sentencing Council, 2019.
18. Smith, J. C., Hogan, B., & Ormerod, D. (2015). *Smith and Hogan's Criminal Law* (14th ed.). Oxford University Press.
19. Smith, J., & Hogan, P. (2021). *Smith & Hogan's Criminal Law* (16th ed., Ormerod & Laird). Oxford University Press.
20. Tonry, Michael. *Doing Justice, Preventing Crime*. Oxford: Oxford University Press, 2019.
21. The Sentencing Academy. (2023). *Compensation Orders: A Review of Policy and Practice*.
22. US Sentencing Commission. (2011). *Report to the Congress: Mandatory Minimum Penalties in the Federal Criminal Justice System*. Washington, DC.
23. Wasik, Michael. *Core Statutes on Criminal Justice & Sentencing 2021–22*. London: Macmillan International Higher Education, 2021.

ج - پایگاه‌های حقوقی (استفاده‌شده در متن مقاله)

۲۴. پژوهشگاه قوه قضاییه (۱۴۰۱). «مطالعات تطبیقی در زمینه تعیین خسارت اموال». پایگاه پژوهشگاه قوه قضاییه. بازبایی شده از: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/۱۲۷۴>
۲۵. قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ (با اصلاحات بعدی). متن رسمی: <https://rc.majlis.ir>
۲۶. قانون آیین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۹۴). نسخه منتشرشده. پایگاه اختبار: <https://www.ekhtebare.ir>
۲۷. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مصوب ۱۳۹۹. متن رسمی: <https://qavanin.ir>
۲۸. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳. بازبایی شده از: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=۹۷۴۴۲۱۸۸۹۳۹۸۲۲۷۸۰۷۱>

۲۹. قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده). مصوب ۱۳۷۵، اصلاحی ۱۴۰۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. بازیابی شده از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۸۴۵۰۴۸>
۳۰. «بررسی میزان خسارت در دعوی مسئولیت مدنی». پایگاه Civilica. کد مقاله ۱۹۹۲۳۷۲. <https://civilica.com/doc/۱۹۹۲۳۷۲>
۳۱. «حجیت نظرات کارشناسان در محاکم قضایی». پایگاه نورمگز. [/https://www.noormags.ir/view/fa/keyword](https://www.noormags.ir/view/fa/keyword)
1. BAILII. (n.d.). British and Irish Legal Information Institute. Available at: <https://www.bailii.org> (last visited 2025/08/30).
 2. Crown Prosecution Service. Allocation, Sending and Committal for Sentence Guidance. Updated 19 January 2024, Retrieved from <https://www.cps.gov.uk/legal-guidance/allocation-sending-and-committal-sentence>.
 3. Criminal Damage Act 1971, c.48, Section 1. (1971). Available at: <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1971/48/section/1>
 4. GOV.UK. (2023). Compensation in the Justice System. Retrieved from <https://www.gov.uk/guidance/compensation-in-the-justice-system>
 5. <https://qavanin.ir>
 6. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/1274>
 7. Judiciary UK. (n.d.). Official Judicial Website of England and Wales. Available at: <https://www.judiciary.uk> (last visited 2025/08/30).
 8. LexisNexis. (n.d.). *Legal Database*. Available at: <https://www.lexisnexis.co.uk> (last visited 2025/08/30).
 9. Luna, E. (2010). Mandatory Minimum Sentencing Provisions Under Federal Law. Cato Institute. Retrieved from <https://www.cato.org/>
 10. R v G and Another [2003] UKHL 50; [2004] 1 AC 1034 (House of Lords): <https://publications.parliament.uk/...>
 11. Sentencing Council for England and Wales. Magistrates' Court Sentencing Guidelines: Criminal Damage. London: Sentencing Council, 2020. Retrieved from <https://www.sentencingcouncil.org.uk/...>
 12. Sentencing Council. (n.d.). Compensation Guidance. Retrieved from <https://www.sentencingcouncil.org.uk/supplementary-information/compensation/>.
 13. Westlaw. (n.d.). Legal Research Database. Available at: <https://legalresearch.westlaw.co.uk> (last visited 2025/08/30).
 14. World Bank. (2024). Inflation, consumer prices (annual %) – Iran. Retrieved from <https://data.worldbank.org/...>